



## یک شوری

### لایحه جامع و کالت و مشاوره حقوقی

(در اجرای ماده «۱۴۱» آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی)

کمیسیون های ارجاعی

قضائی و حقوقی

اصلی:

آموزش، تحقیقات و فناوری - اجتماعی - اقتصادی -  
بهداشت و درمان - فرهنگی

فرعی:

۱- لایحه ارسالی قوه قضائیه

پیوست ها:

۲- سوابق قانونی

معاونت قوانین

اداره کل تدوین قوانین

شماره ۵۳۱۰۷/۳۷۵۵۹

تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳۱

معاونت امور مجلس رئیس جمهور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۳/۱۶ موافقت کرد:

در اجرای ماده (۱۴۱) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی لوایح مندرج در فهرست پیوست که تأیید شده به مهر «دفتر هیأت دولت» است، در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

اسحاق جهانگیری

معاون اول رئیس جمهور

شماره: ۴۷۶۲۵/۷۲۶۲۹

تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۳۰

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه جامع وکالت و مشاوره حقوقی که بنابه پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد.

حسن روحانی

رئیس جمهور

مقدمه (دلایل توجیهی):

در اجرای تکلیف مقرر در ماده (۲۱۲) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و به منظور تجمیع قوانین پراکنده و متعدد در حوزه وکالت و ساماندهی آن و با توجه به لزوم ایجاد تغییرات بنیادین در تشکیلات و ساختار قانون وکلا، لایحه یادشده جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می شود:

عنوان لایحه:

جامع وکالت و مشاوره حقوقی

فصل اول - کلیات

ماده ۱- در اجرای اصل سی و پنجم (۳۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساختار قانون وکلای دادگستری به شرح این قانون اصلاح و بر اساس آن اداره می گردد.

**ماده ۲-** وکالت دادگستری عبارت است از نیابت و نمایندگی امور حقوقی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی در مراجع قضائی در محدوده امور محوله برای مطالبه و دفاع از حقوق موکل توسط کسانی که مطابق مقررات این قانون برای آنان پروانه وکالت صادر می‌شود.

**تبصره -** کسانی که تا تصویب این قانون از کانون‌های وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران حقوقی وکلای کارشناسان قوه قضائیه پروانه وکالت دریافت نموده‌اند، وکیل دادگستری محسوب و مشمول مقررات این قانون می‌باشند. همچنین، کلیه کارآموزان و پذیرفته‌شدگان در آزمون‌های ورودی مرکز و کانون مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

**ماده ۳-** وکلای دادگستری علاوه بر وکالت در مراجع قضائی می‌توانند با رعایت این قانون در مراجع اختصاصی غیرقضائی و شبه قضائی و نهادهای داوری نیز به وکالت بپردازند.

**تبصره ۱-** وکالت وکلای دادگستری در مراجع انتظامی و اداری و امثال آنها در حدودی که عرفاً جزء لوازم مقدمات مطالبه حقوق و دفاع از موکل و حقوق وی محسوب می‌شود، مجاز است.

**تبصره ۲-** وکلای دادگستری می‌توانند در امور مدنی نیز وکالت نمایند.

## فصل دوم - تشکیلات

### مبحث اول- کانون‌های استانی وکلای دادگستری

**ماده ۴-** کانون وکلای دادگستری استان مؤسسه‌ای است دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی که در مرکز هر استان تشکیل می‌شود و از این پس در این قانون «کانون» نامیده می‌شود.

**ماده ۵-** وظایف و اختیارات کانون عبارت است از:

- ۱- برگزاری دوره‌های کارآموزی و اعطای پروانه کارآموزی و وکالت به داوطلبان واجد شرایط قانونی؛
  - ۲- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال حرفه‌ای کارآموزان و وکلا؛
  - ۳- درخواست تعقیب و رسیدگی به تخلفات انتظامی کارآموزان و وکلا؛
  - ۴- برنامه‌ریزی و انجام تمهیدات لازم برای ارائه معاضدت قضائی از سوی وکلا؛
  - ۵- برنامه‌ریزی در جهت ارتقای سطح علمی و عملی کارآموزان و وکلا و برگزاری دوره‌های آموزشی؛
  - ۶- انتشار نشریات حقوقی؛
  - ۷- انجام سایر امور مقرر در قوانین و مقررات
- ماده ۶-** کانون از ارکان زیر تشکیل می‌شود:

۱- مجمع عمومی؛

۲- هیأت مدیره؛

۳- بازرسان؛

۴- دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا

**ماده ۷-** منابع مالی کانون عبارتند از:

۱- حق عضویت سالانه وکلا؛

۲- معادل یک چهارم تمبر الصاقی به وکالتنامه که باید توسط وکلا و کارآموزان هم زمان به حساب کانون وکلای مربوط پرداخت گردد؛

۳- وجوه حاصل از فروش کتب و نشریات و ارائه خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی؛



۴- هدایا و کمکهای اشخاص و اموال و درآمدهای ناشی از وصایا و موقوفات تبصره- حق الزحمه وکلای تسخیری و معاضدتی بر اساس قانون بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی و از طریق کانون به آنان پرداخت می‌گردد.

ماده ۸- مقررات مالی کانون‌های استانی از جمله سال مالی، چگونگی تنظیم و تصویب صورتها و گزارش مالی و مراجع تصویب آن و بودجه کانون‌های یادشده، بازرسی مأموران در آیین‌نامه‌ای که از طریق شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزرای دادگستری و امور اقتصادی و دارایی می‌رسد، تعیین خواهد شد.

#### الف- مجمع عمومی

ماده ۹- مجمع عمومی کانون متشکل از وکلای عضو همان کانون که پروانه وکالت آنان دارای اعتبار بوده و در حال تعلیق نباشند، دارای وظایف زیر است:

- ۱- انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرس و یا بازرسان؛
- ۲- بررسی و تصویب برنامه‌های پیشنهادی هیأت مدیره؛
- ۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی و دعوتنامه‌های کانون؛
- ۴- بررسی گزارش سالانه عملکرد کانون و اتخاذ تصمیم درباره آن پس از استماع گزارش بازرسان؛
- ۵- رسیدگی و تصویب بودجه و صورتهای مالی کانون و ترازنامه و حساب سود و زیان به پیشنهاد هیأت مدیره؛
- ۶- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به سایر موارد پیشنهادی که در محدوده وظایف کانون توسط هیأت مدیره در دستور جلسه قرار گیرد.

۷- تصویب ارجاع دعاوی به داوری و تصویب صلح دعوی

ماده ۱۰- جلسات مجمع عمومی عادی در بار اول با حضور بیش از نصف اعضای دارای حق رأی و در صورت عدم تشکیل جلسه، بار دوم با یک سوم اعضاء یا بیشتر و الا بار سوم با هر عده رسمیت می‌یابد. مصوبات مجمع همواره با آرای بیش از نصف حاضرین معتبر خواهد بود و صرفاً در مورد انتخاب هیأت مدیره و بازرسان اکثریت نسبی ملاک می‌باشد.

#### ب- هیأت مدیره

ماده ۱۱- وکلایی که علاوه بر شرایط عمومی وکالت واجد شرایط ذیل باشند می‌توانند داوطلب عضویت در هیأت مدیره یا بازرس شوند:

۱- داشتن حداقل ده سال سابقه وکالت یا شش سال وکالت و چهار سال قضاوت؛

۲- عدم محکومیت قطعی انتظامی درجه سه و بالاتر؛

۳- داشتن حداقل سی و پنج سال سن؛

۴- التزام عملی به دین مبین اسلام و نداشتن سوء شهرت.

ماده ۱۲- تعداد اعضای هیأت مدیره برای کانون‌های تا هزار نفر وکیل دارای حق رأی، پنج عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل و برای کانون‌های بیش از هزار تا پنج هزار نفر، هفت عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل و برای کانون‌های بالاتر از پنج هزار نفر، نه عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل خواهد بود.

ماده ۱۳- اعضای هیأت مدیره کانون وکلای هر استان برای سه سال با رأی مخفی اکثریت نسبی اعضای مجمع عمومی کانون انتخاب می‌شوند. اعضاء نمی‌توانند برای بیش از دو دوره متوالی در هیأت مدیره عضویت داشته باشند.



تبصره- بقای عضویت در هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در مدت عضویت در همان استان باشد.

ماده ۱۴- اعضای هیأت مدیره از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس، دو نائب رئیس و یک منشی به طور کتبی و با رأی مخفی انتخاب می کنند. هر یک از نواب رئیس که بیشترین رأی را به دست آورد، نائب رئیس اول خواهد بود. تبصره- در صورت تساوی آراء برای انتخاب رئیس هیأت مدیره، اولویت با فردی است که مجموع سابقه وکالت و قضاوت او بیشتر باشد.

ماده ۱۵- جلسات هیأت مدیره در کانون های پنج نفره، هفت نفره و نه نفره به ترتیب با حضور چهار، پنج و هفت نفر از اعضاء رسمیت می یابد و مصوبات با اکثریت بیش از نصف آراء حاضران اتخاذ می شود.

ماده ۱۶- عضویت اعضای هیأت مدیره و بازرسان در موارد زیر زایل می شود:

۱- فوت؛

۲- حجر؛

۳- محکومیت کیفری مؤثر و محکومیت درجه سه و بالاتر؛

۴- هشت جلسه غیبت بدون عذر موجه متوالی یا چهارده جلسه غیبت بدون عذر موجه متناوب در هیأت مدیره ظرف یکسال، بنا به تشخیص هیأت مدیره؛

۵- استعفاء پس از تصویب هیأت مدیره (در مورد عضو هیأت مدیره) و تصویب مجمع عمومی (در مورد بازرسان)؛

۶- رأی قطعی مبنی بر عدم صلاحیت، توسط دادگاه انتظامی وکلا.

تبصره ۱- غیبت بیش از شش ماه به منزله استعفاء است.

تبصره ۲- جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

۱- نرسیدن دعوتنامه یا دیر رسیدن به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود؛

۲- مرضی که مانع از حرکت است؛

۳- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم؛

۴- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن؛

۵- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری از قبیل وبا و طاعون؛

۶- در توقیف بودن.

ماده ۱۷- در صورت زوال عضویت هر یک از اعضای هیأت مدیره یا سمت هر یک از بازرسان، عضو یا بازرس علی البدل به ترتیب تعداد رأی، جایگزین وی می شود. در صورت عدم وجود عضو علی البدل، جایگزین آنان برای باقی مانده مدت با برگزاری انتخابات تعیین می شود.

تبصره- اعضای علی البدل در جلسات هیأت مدیره شرکت می نمایند و در صورت غیبت عضو اصلی عضو علی البدل حاضر در جلسه که بیشترین رأی را داشته است حق رأی خواهد داشت.

ماده ۱۸- وظایف و اختیارات هیأت مدیره به شرح زیر می باشد:

۱- اجرای مصوبات مجمع عمومی و امور ارجاعی؛

۲- بررسی و تصویب بودجه سالانه و ارائه آن به مجمع عمومی جهت تصویب نهائی؛

۳- بررسی و تصویب صورتهای مالی جهت ارائه به مجمع عمومی و بازرس قانونی؛

۴- اتخاذ تصمیم در خصوص انعقاد هر نوع قرارداد از جمله خرید و فروش و معاوضه اموال منقول و غیرمنقول  
کانون، تغییر، تبدیل، فسخ و اقاله آنها با اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی با رعایت قوانین و مقررات  
مربوط؛

۵- اتخاذ تصمیم در خصوص افتتاح و مسدود کردن حساب نزد بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و استفاده از  
آن به نام کانون؛

۶- ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و صلح دعاوی پس از تصویب مجمع عمومی؛

۷- اتخاذ تصمیم راجع به کلیه اموری که توسط رئیس کانون در محدوده اختیارات خود پیشنهاد می شود؛

۸- بررسی و تصویب گزارش های سالانه کانون جهت ارائه به مجمع عمومی؛

۹- تصویب استخدام کارکنان؛

۱۰- اعلام تخلف به دادسرای انتظامی در صورت اطلاع از وقوع تخلف وکیل یا کارآموز؛

۱۱- اجرای سایر وظایف و اختیاراتی که در این قانون و سایر قوانین و مقررات برای هیأت مدیره پیش بینی شده

است؛

۱۲- سایر اختیارات، وظایف و مسئولیت هایی که در این قانون و سایر قوانین و مقررات به صراحت در زمره  
وظایف و اختیارات سایر ارکان کانون قرار داده نشده است.

ماده ۱۹- هیأت مدیره می تواند برخی از وظایف و اختیارات خود را به رئیس کانون یا یک یا چند نفر از اعضای  
هیأت مدیره تفویض نماید. این امر نافی مسئولیت هیأت مدیره نخواهد بود.

ماده ۲۰- رئیس هیأت مدیره، ریاست کانون را بر عهده دارد و وظایف و اختیارات وی به شرح زیر است:

۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیأت مدیره؛

۲- اداره امور کانون در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط؛

۳- عزل و نصب کارکنان و مدیران کانون با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

۴- نمایندگی کانون در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله مراجع قضائی با حق توکیل غیر؛

۵- اقدام به صلح و سازش و ارجاع دعاوی کانون به داوری با رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از تصویب

مجمع عمومی؛

۶- تهیه و تنظیم و ارائه برنامه و بودجه سالانه، گزارش ها و صورتهای مالی و عملکرد کانون به هیأت مدیره؛

۷- وصول مطالبات و پرداخت بدهیهای کانون؛

۸- میانجی گری در حل اختلافات حرفه ای وکلا و کارآموزان؛

۹- اداره جلسات هیأت مدیره؛

۱۰- سایر وظایف و اختیاراتی که در این قانون و سایر قوانین مربوط برای رئیس کانون پیش بینی شده است.

تبصره- در غیاب رئیس هیأت مدیره، نواب رئیس به ترتیب عهده دار امور مزبور خواهند بود.

پ- بازرسان

ماده ۲۱- مجمع عمومی سه نفر بازرس اصلی و یک نفر بازرس علی البدل برای مدت سه سال انتخاب می کند.

ماده ۲۲- وظایف بازرسان عبارت است از:

۱- ارائه گزارش به مجمع عمومی در مورد عملکرد هیأت مدیره و رئیس کانون در چهارچوب مقررات قانونی

مربوط بدون مداخله در امور اجرایی کانون؛



- ۲- بررسی و اظهار نظر در مورد صورتهای مالی و ارائه آن به مجمع عمومی؛  
۳- بررسی و اظهار نظر در خصوص اموری که از سوی مجمع عمومی ارجاع می شود، در حدود مقررات؛  
۴- اظهار نظر در مورد گزارشهای هیأت مدیره به مجمع عمومی.

تبصره ۱- گزارش بازرسان توسط سه نفر بازرس اصلی تهیه می شود و ملاک در تنظیم آن، نظریه اکثریت است. در عین حال در متن گزارش نظریه اقلیت نیز منعکس می شود. در صورتی که یکی از بازرسان نتواند در جلسات بازرسی و تنظیم گزارش شرکت نماید، بازرس علی البدل جایگزین می شود.

تبصره ۲- بازرسان می توانند برای انجام وظایف خود از خدمات کارشناسان و متخصصان واجد شرایط خارج از سازمان حسابرسی و یا مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، استفاده کنند. حق الزحمه خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی یادشده به تشخیص بازرسان از محل بودجه کانون پرداخت می شود.

ماده ۲۳- بازرسان در ایفای وظایف خود بدون مداخله در امور جاری کانون، کلیه اسناد و داراییها و حسابهای کانون را مورد رسیدگی قرار می دهند. در صورت درخواست کتبی بازرس، رئیس کانون موظف است اطلاعات، مدارک و مستندات مورد درخواست بازرس را در اختیار وی قرار دهد.

ماده ۲۴- بازرسان چنانچه در حین بازرسی، اشکالاتی را ملاحظه نمایند یا گزارشهایی مبنی بر بروز تخلف از قوانین و مقررات مربوط و یا بروز مشکلاتی در کانون دریافت کنند، مکلفند مراتب را به طور کتبی به اطلاع رئیس و هیأت مدیره کانون برسانند. چنانچه برای رفع مشکلات مذکور اقدامی صورت نگیرد، باید موضوع را به مجمع عمومی گزارش نمایند.

ماده ۲۵- چنانچه هر یک از بازرسان در انجام وظایف خود تخلف انتظامی از هر یک از اعضای هیأت مدیره مشاهده نماید، مراتب را به دادستان انتظامی وکلا منعکس می نماید.

ماده ۲۶- برخورداری از شرایط عضویت در هیأت مدیره، برای بازرسان الزامی است، ولی بازرس یا بازرسان نباید عضو هیأت مدیره باشند.

ماده ۲۷- گزارش بازرسان راجع به عملکرد اداری و مالی رئیس و هیأت مدیره باید حداقل یک هفته پیش از برگزاری جلسه مجمع عمومی در اختیار اعضاء قرار گرفته و در جلسه مجمع عمومی قرائت شود.

#### مبحث دوم- شورای عالی وکالت

ماده ۲۸- به منظور برنامه ریزی و ایجاد سیاست واحد در امور اجرائی کانونهای استانی وکلا، شورای عالی وکالت از میان اعضای هیأت مدیره کانونهای استانی و توسط آنان برای مدت چهار سال در تهران تشکیل می گردد. تعداد اعضای هر کانون استانی در شورای یادشده از کانونهای دارای پنج نفر عضو هیأت مدیره، یک نفر و از کانونهای دارای هفت نفر عضو هیأت مدیره، دو نفر و از کانونهای دارای نه نفر عضو هیأت مدیره، سه نفر خواهد بود.

ماده ۲۹- وظایف شورای عالی وکالت به شرح زیر است:

- ۱- ایجاد هماهنگی و رویه واحد در اجرای وظایف کانونهای استانی وکلا و نظارت بر حسن اجرای آنها؛
- ۲- سیاستگذاری در جهت ارتقای سطح علمی کارآموزان و وکلا و نظارت بر حسن اجرای آنها؛
- ۳- سیاستگذاری و ارائه برنامههای کلان در جهت حمایت از حقوق صنفی وکلا؛
- ۴- برنامه ریزی جهت فراگیر شدن و ارتقای سطح خدمات وکالت و مشاوره حقوقی و دسترسی مردم به خدمات وکلا و توسعه فرهنگ استفاده از وکالت از جمله در قالب وکیل خانواده؛



۵- پیشنهاد تعرفه خدمات وکالت و مشاوره حقوقی به کمیسیون موضوع ماده (۶۱) برای تصویب؛

۶- تعیین حق عضویت سالانه وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت؛

۷- برگزاری آزمون سراسری ورودی وکالت؛

۸- تدوین و تصویب آیین نامه نقل و انتقال وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت؛

۹- تدوین و تصویب آیین نامه مربوط به تشکیل و شرح وظایف کمیسیون های مشورتی و تخصصی مورد نیاز؛

۱۰- تعیین نماینده جهت شرکت در مجامع منطقه ای، ملی و بین المللی مربوط به وکالت؛

۱۱- برنامه ریزی در راستای تربیت وکلای متخصص در رشته های مختلف؛

۱۲- انجام سایر وظایف مقرر در قوانین و مقررات.

تبصره- تعیین تعداد کارآموزان وکالت برای هر کانون بر عهده کمیسیون متشکل از رئیس کل دادگستری استان و دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان و رئیس کانون وکلای آن استان می باشد که به دعوت رئیس کانون وکلای هر استان حداقل یک بار در سال تشکیل و اتخاذ تصمیم می شود.

ماده ۳۰- در صورت فوت، استعفاء یا صدور حکم قطعی حجر یا عدم صلاحیت هر یک از اعضاء، فرد دیگری مطابق ماده (۲۸) انتخاب و جایگزین وی می شود.

ماده ۳۱- تصمیمات شورای عالی وکالت در سامانه الکترونیکی شورا درج و ظرف مدت پانزده روز پس از انتشار لازم الاجراء است.

ماده ۳۲- شورای عالی وکالت نماینده کانون های وکلای دادگستری کشور در امور صنفی مربوط به وکالت در مجامع کشوری و بین المللی می باشد.

#### مبحث سوم- هیأت نظارت

ماده ۳۳- به منظور انطباق شرایط داوطلبان اخذ پروانه وکالت و عضویت در شورای عالی وکالت و هیأت مدیره های استانی با شرایط مقرر در این قانون هیأت نظارت متشکل از هفت عضو اصلی و چهار عضو علی البدل برای مدت چهار سال به شرح زیر تشکیل می شود:

۱- پنج عضو اصلی و دو عضو علی البدل به انتخاب کانون از بین وکلای شاغل؛

۲- یک عضو اصلی و یک عضو علی البدل به انتخاب هیأت دولت؛

۳- یک عضو اصلی و یک عضو علی البدل به انتخاب رئیس قوه قضائیه؛

تبصره ۱- داوطلبان عضویت هیأت نظارت نمی توانند در هیأت مدیره و شورای عالی کانون عضویت داشته باشند.

تبصره ۲- اعضای علی البدل هر بند جایگزین عضو اصلی همان بند می گردد.

تبصره ۳- در صورت فوت یا استعفاء برخی از اعضای هیأت نظارت یا سلب صلاحیت آنان توسط دادگاه عالی انتظامی قضات در مورد اعضای موضوع بند (۱) این ماده و توسط مراجع ذی صلاح در مورد اعضای موضوع بندهای (۲) و (۳) اعضای جایگزین برای مدت باقی مانده دوره طبق ضابطه مقرر در این ماده انتخاب می شود.

ماده ۳۴- داوطلبان بند (۱) ماده (۳۳) باید واجد شرایط ذیل باشند و احراز شرایط آنان به عهده هیأتی متشکل از

رؤسای شعب دادگاه عالی انتظامی قضات می باشد.

۱- التزام عملی به دین مبین اسلام

۲- داشتن حداقل پانزده سال سابقه وکالت دادگستری

۳- داشتن حداقل چهل سال سن

۴- داشتن حسن شهرت

۵- نداشتن محکومیت قطعی انتظامی درجه سه و بالاتر

ماده ۳۵ - مصوبات و تصمیمات شورای عالی وکالت و کانون‌های استانی «به جز مصوبات بند (۵) ماده (۲۹)» از حیث انطباق با قانون و مقررات و حقوق مکتسبه افراد در صورتی که مورد اعتراض از سوی ذی‌نفع قرار گیرند قابل رسیدگی در هیأت نظارت می‌باشند.

ماده ۳۶- رئیس هیأت نظارت که اداره جلسات، تنظیم دستور کار و ابلاغ تصمیمات هیأت را به عهده خواهد داشت با رأی موافق اکثریت اعضاء تعیین می‌گردد.

ماده ۳۷- هیأت نظارت ضمن استعلام سوابق پذیرفته شدگان در آزمون و سایر داوطلبان موضوع ماده (۳۳) از وزارت اطلاعات، مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه (در مورد قضات و کارمندان قوه قضائیه) حداکثر ظرف مدت دو ماه از تاریخ وصول اسامی در مورد صلاحیت آنان اتخاذ تصمیم می‌نماید.

تبصره ۱- در صورت عدم وصول پاسخ در مهلت یک‌ماه یا مبهم بودن آن یا عدم کفایت پاسخهای واصله نسبت به تجدید استعلام برای یک‌بار دیگر اقدام می‌شود. در هر حال هیأت موظف است حداکثر ظرف مدت سه ماه تصمیم خود را دائر بر رد یا قبول اعلام نماید.

تبصره ۲- چنانچه از سوی مراجع مذکور، مدارکی پس از اتخاذ تصمیم در هیأت نظارت مغایر تصمیم متخذه واصل شود که ضرورت تجدیدنظر در تصمیم را ایجاب نماید، هیأت مراتب را با اظهار نظر اولیه جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه انتظامی وکلا ارسال می‌نماید.

تبصره ۳- عدم اتخاذ تصمیم در مهلت‌های مقرر تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

ماده ۳۸- تصمیمات هیأت نظارت در مورد رد صلاحیت داوطلبان و وکلا ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عالی انتظامی قضات است.

تبصره - چنانچه دستگاه‌های نظارتی نسبت به تأیید صلاحیت داوطلبی اعتراض داشته باشند می‌توانند اعتراض خود را در دادگاه عالی انتظامی قضات مطرح نمایند.

ماده ۳۹- نظارت بر صحت اجرای انتخابات شورای عالی وکالت، هیأت مدیره و بازرسان کانون‌های استانی بر عهده هیأت نظارت موضوع ماده (۳۳) می‌باشد، پس از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج اولیه افراد ذی‌نفع ظرف مدت ده روز حق اعتراض به آن را دارند. هیأت نظارت با بررسی اعتراضات واصله و سایر مدارک ظرف مدت بیست روز از پایان مهلت اعتراض نظر خود را در خصوص صحت و سقم آن اعلام می‌نماید. در صورت احراز تخلف مؤثر در نتیجه، حسب مورد انتخابات را کلاً یا جزئاً نسبت به تمام یا برخی از صندوق‌ها یا نامزدها ابطال نموده و دستور برگزاری انتخابات مجدد را صادر می‌کند.

تبصره ۱- افراد ذی‌نفع می‌توانند ظرف مدت ده روز از اعلام نظر هیأت نظارت اعتراض مستدل خود را در دادگاه عالی انتظامی قضات مطرح نمایند.

تبصره ۲- رأی دادگاه انتظامی قضات در مورد تأیید یا نقض نظر هیأت نظارت و اتخاذ تصمیم نهائی، قطعی است.



ماده ۴۰- شورای عالی وکالت و هیأت نظارت دارای تشکیلات اداری و مالی متناسب و دبیرخانه مجزا خواهند بود که حدود اختیارات و وظایف و نحوه فعالیت دبیرخانه در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد.

### فصل سوم- ورود به حرفه وکالت

#### مبحث اول- شرایط و موانع ورود به وکالت دادگستری و کارآموزی وکالت

ماده ۴۱- متقاضیان وکالت دادگستری باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- متدین به دین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی؛

۲- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۳- تابعیت جمهوری اسلامی ایران؛

۴- توانایی جسمی و سلامت روانی؛

۵- مدرک کارشناسی یا بالاتر در رشته حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا الهیات با گرایش فقه و حقوق از دانشگاههای مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یا مدرک سطح ۲ حوزه و یا گذراندن واحدهای درسی مقطع کارشناسی به تأیید دانشگاه محل تحصیل در مورد دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد پیوسته در رشته و گرایشهای فوق؛

۶- حداقل سن بیست و پنج سال برای شرکت در آزمون کارآموزی؛

۷- کارت پایان خدمت و وظیفه عمومی یا معافیت دائم از آن (برای آقایان).

ماده ۴۲- ورود به حرفه وکالت دادگستری پس از موفقیت متقاضی در آزمون ورودی، طی دوره کارآموزی و

تأیید صلاحیت علمی وی توسط هیأت اختبار مطابق مقررات این قانون صورت می گیرد.

ماده ۴۳- افراد دارای شرایط زیر از اشتغال به وکالت دادگستری ممنوع می باشند:

۱- داشتن محکومیت مؤثر کیفری موضوع ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱؛

۲- اعتیاد به مواد مخدر، روان گردان و مشتقات آنها و استعمال مشروبات الکلی؛

۳- عضویت در گروههای محارب و معاند با جمهوری اسلامی ایران با اعلام وزارت اطلاعات، مگر آنکه توبه

آنها احراز شده یا بشود؛

۴- محکومیت به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی یا به انفصال موقت از خدمات مذکور، در مدت

انفصال؛

۵- محکومیت به انفصال دائم از خدمات قضائی و یا سلب صلاحیت قضائی.

ماده ۴۴- بیست و پنج درصد (۲۵٪) سهمیه مورد نیاز هر یک از کانونهای استانی به ایشارگران (رزمندگان که

حداقل شش ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه جنگ داشته و یا آزادگان یا حداقل شش ماه سابقه اسارت و یا جانبازان

بیست و پنج (۲۵٪) درصد و بالاتر و والدین، فرزندان و همسران شهدا یا جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر) که

حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) از نمره آخرین نفر قبولی سهمیه آزاد را کسب کرده باشند، اختصاص می یابد.

تبصره- استفاده از این سهمیه مانع از پذیرش ایشارگرانی که نمره قبولی سهمیه آزاد را آورده اند نیست.

ماده ۴۵- اشخاص فاقد پروانه وکالت که حداقل دارای مدرک کارشناسی در رشته حقوق یا دارای مدارک

تحصیلی مورد قبول این قانون بوده و اشتغال به قضاوت نداشته باشند، با احراز صلاحیت علمی از سنوی کانون وکلای

محل اقامت خود می توانند در سال تا سه نوبت با أخذ جواز وکالت اتفاقی برای اقربای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم

از طبقه سوم وکالت کنند. هر نوبت وکالت اتفاقی شامل کلیه مراحل دادرسی اعم از بدوی، تجدیدنظر و فرجام و نیز کلیه

دعای طاری اعم از تقابل، ورود یا جلب و اعتراض ثالث می باشد.



## مبحث دوم- نحوه برگزاری آزمون، انجام کارآموزی و صدور و ابطال پروانه

ماده ۴۶- آزمون ورودی وکالت همه ساله به صورت سراسری برگزار و نتایج آن در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود. نحوه و زمان برگزاری و اعلام نتایج آزمون مطابق آیین نامه اجرایی این قانون است. تبصره- افرادی مجاز به شرکت در آزمون می‌باشند که واجد شرایط مندرج در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۵) ماده (۴۱) باشند.

ماده ۴۷- اسامی پذیرفته شدگان آزمون به هیأت نظارت اعلام می‌شود. هیأت مذکور برای احراز شرایط مقرر قانونی از مراجع مذکور در ماده (۳۷) استعلام می‌کند. مراجع مربوط موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ استعلام، پاسخ لازم را از طریق مقتضی اعلام کنند. عدم پاسخگویی ظرف مدت یادشده، مانع اتخاذ تصمیم از سوی هیأت نظارت نخواهد بود. در صورت تأیید صلاحیت نهائی، پرونده متقاضی جهت صدور پروانه کارآموزی به کانون‌های استانی مربوط ارسال می‌شود. متقاضی رد صلاحیت شده می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ نامه عدم صلاحیت، به دادگاه عالی انتظامی قضات اعتراض نماید. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است، پروانه کارآموزی به امضای رئیس کانون صادر می‌گردد.

ماده ۴۸- مدت کارآموزی دو سال است. کارآموزان در این مدت ضمن شرکت در دوره‌های آموزشی، تحت نظر وکیل سرپرستی که به پیشنهاد کارآموز توسط کانون تعیین می‌شود کارآموزی می‌کنند. کارآموزان در یکسال اول اشتغال به کارآموزی صرفاً حق شرکت در جلسات رسیدگی مراجع قضائی، شبه قضائی و اداری و مطالعه پرونده‌ها را بدون داشتن حق مداخله در امر وکالت خواهند داشت و در سال دوم تحت نظارت وکیل سرپرست فقط می‌توانند در مورد جرائم و دعاوی کیفری دارای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده اعم از حبس کمتر از سه سال، شلاق و جزای نقدی تا پانصد میلیون ریال و دعاوی حقوقی با خواسته کمتر از پانصد میلیون ریال و دعاوی غیرمالی در صلاحیت شورای حل اختلاف وکالت نمایند.

ماده ۴۹- پس از اتمام دوره کارآموزی، اختبار کارآموزان و تأیید صلاحیت علمی آنان از جهات نظری و عملی به وسیله یکی از هیأت‌های اختبار به عمل می‌آید. هر هیأت اختبار که به پیشنهاد رئیس کانون‌های استانی مربوط و تأیید هیأت نظارت انتخاب می‌شوند متشکل از سه نفر وکیل پایه یک یا قاضی دادگستری با حداقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت است.

تبصره- مدت عضویت در هیأت اختبار سه سال و برای دوره‌های بعد قابل تمدید است.

ماده ۵۰- در صورتی که هیأت اختبار صلاحیت علمی کارآموز را تأیید کند مراتب را جهت صدور پروانه وکالت به رئیس کانون اعلام می‌نماید و درغیراین صورت، دوره کارآموزی شخص مردود را با تعیین دوره‌های علمی و عملی مورد نیاز، از شش تا دوازده ماه تمدید می‌کند. تمدید دوره صرفاً برای دو مرتبه امکان‌پذیر است. در صورتی که پس از دو بار تمدید، هیأت اختبار مجدداً صلاحیت کارآموز را تأیید نکند، پروانه کارآموزی ابطال می‌شود. این تصمیم قابل تجدیدنظر در هیأت مدیره است. در صورت رد صلاحیت علمی، ورود به حرفه وکالت مستلزم شرکت و موفقیت مجدد متقاضی در آزمون ورودی است.

ماده ۵۱- افراد زیر از معافیت‌های مشروحه زیر برخوردارند:

- ۱- اعضای رسمی هیأت علمی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای درجه دکترا در رشته حقوق با حداقل ده سال سابقه تدریس دروس حقوقی از شرکت در آزمون ورودی و نصف دوره کارآموزی؛



۲- کسانی که دارای حداقل ده سال سابقه کار قضائی باشند و از آنان سلب صلاحیت قضائی نشده باشد از

شرکت در آزمون ورودی و دوره کارآموزی و اختبار؛

۳- کسانی که با دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی حقوق حداقل ده سال سابقه کار متوالی یا پانزده سال

متناوب در واحدهای حقوقی دستگاههای موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیروهای مسلح در مشاغل

حقوقی اشتغال داشته‌اند، سردفتران و دفتریاران واجد صلاحیت پس از بازنشستگی مشروط بر اینکه بازنشستگی آنان به

سبب ارتکاب تخلف دارای وصف مجرمانه نباشد، از نصف دوره کارآموزی

تبصره ۱- اعضای هیأت علمی موضوع این ماده به شرط دارا بودن مدرک کارشناسی حقوق از معافیت این ماده

برخوردار می‌باشند.

تبصره ۲- جز در موارد مصرح در این ماده، هیچ‌یک از متقاضیان ورود به حرفه وکالت از آزمون ورودی،

کارآموزی و اختبار، معاف نخواهند بود.

تبصره ۳- سابقه قضائی قضات سازمان قضائی نیروهای مسلح مشمول این ماده می‌باشد.

ماده ۵۲- وکلای دارای سابقه قضاوت و وکلای دارای سابقه کار در بخش قضائی قوه قضائیه و همچنین

کارمندان دفتری دادگاهها و مراجع قضائی که پروانه وکالت دادگستری دریافت می‌نمایند، نمی‌توانند از تاریخ اخذ پروانه

وکالت تا پنج سال در حوزه‌های قضائی محل اشتغال چهارسال آخر خود و تهران وکالت کنند. در مورد قضات شاغل در

فعالیت‌های ستادی قوه قضائیه و قضاتی که حوزه فعالیت آنان کل کشور می‌باشد از قبیل قضات دیوان عالی کشور، دادسرا

و دادگاه انتظامی قضات و دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور این ممنوعیت شامل استان محل اشتغال آنان

خواهد بود.

ماده ۵۳- وکلا با رسیدن به سن هفتاد سالگی حق وکالت ندارند. وکلای عضو صندوق حمایت دادگستری با

سی و پنج سال سابقه پرداخت حق بیمه، با هر سنی می‌توانند درخواست بازنشستگی نمایند. پروانه این قبیل بازنشستگان

تمدید نمی‌شود. وکلای بازنشسته می‌توانند سالانه وکالت سه فقره پرونده را به عهده بگیرند. وکلای بازنشسته از پرداخت

هرگونه حقوقی به صندوق مذکور معافند.

تبصره - وکالت‌هایی که قبل از صدور حکم بازنشستگی به وکلای بازنشسته داده شده و در جریان رسیدگی است

به قوت خود باقی و تعقیب دعاوی مذکور تا صدور و اجرای رأی نهائی از طرف وکلای بازنشسته بلامانع است.

ماده ۵۴- پروانه وکالت با امضای رئیس کانون استان مربوط صادر می‌شود. کانون‌های استانی موظفند حداکثر

ظرف مدت یک ماه از پذیرش داوطلبان در اختبار یا تکمیل پرونده کسانی که از اختبار معاف می‌باشند نسبت به صدور

پروانه وکالت اقدام نمایند. اعتبار پروانه وکالت سه سال است و تمدید آن منوط به درخواست متقاضی است. کلیه کسانی

که به موجب این قانون، پروانه وکالت دادگستری دریافت می‌کنند تا مدت پنج سال از تاریخ صدور پروانه مذکور، مجاز

به وکالت در دیوان عالی کشور و همچنین اموری که در صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌باشد، نیستند. این ممنوعیت

شامل افرادی که به موجب قوانین و مقررات قبل از لازم الاجراء شدن این قانون، برای آنان پروانه وکالت پایه یک

دادگستری صادر شده است، نمی‌گردد.

تبصره- در صورتیکه پروانه وکالت ظرف مدت یکماه امضاء یا تمدید نشود موضوع قابل اعتراض در هیأت

نظارت خواهد بود. هیأت مذکور موظف است حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به موضوع رسیدگی و نظر قطعی خود را

اعلام کند. نظر هیأت قطعی و لازم الاجراست.



ماده ۵۵- هرگاه صلاحیت وکیل از حیث شرایط و موانع موضوع مواد (۴۱) و (۴۳) از طرف رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس دیوان عدالت اداری، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دادستان انتظامی قضات، وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات، کانون وکلا و یا یکی از اعضای هیأت نظارت مورد تردید قرار گیرد، مقامات مزبور گزارشی همراه با مستندات را به هیأت نظارت ارسال می نمایند. هیأت مذکور مکلف به رسیدگی بوده و در صورتی که هیأت فقدان صلاحیت یا زوال آن را در هر یک از وکلا یا اعضای هیأت مدیره احراز نماید، بدو پروانه وی را تعلیق و سپس پرونده را جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد مسائل کیفری به مراجع قضائی و در خصوص موارد دیگر مؤثر در عدم صلاحیت به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می دارد. همچنین، دادگاه کیفری در صورت صدور حکم قطعی به محکومیت کیفری وی نتیجه را جهت اتخاذ تصمیم در مورد صلاحیت به دادگاه عالی انتظامی قضات منعکس می نماید و در هر صورت اگر به نظر دادگاه عالی انتظامی قضات فرد فاقد صلاحیت ها و شرایط مذکور در ماده (۴۱) باشد او را به ابطال پروانه وکالت محکوم می نماید.

ماده ۵۶- متقاضی باید به هنگام أخذ پروانه وکالت با حضور در جلسه هیأت مدیره مربوط با حضور رئیس کل دادگستری استان یا نماینده وی و نماینده وزیر دادگستری در صورت معرفی به شرح ذیل سوگند یاد کرده و سوگندنامه را امضاء کند:

«من در این هنگام که می خواهم به شغل وکالت اشتغال ورزم، در پیشگاه قرآن کریم به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و نسبت به عدالت و احقاق حق همت گمارده و شرافت شوون وکالت را پاس دارم و به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی احترام گزارم و از اعمال نظرات شخصی و کینه توزی و انتقام جویی احتراز نموده و در کارهایی که از طرف اشخاص انجام می دهم، راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع حق باشم و شرافت من وثیقه این سوگند است که آن را یاد کرده و ذیل سوگندنامه را امضاء می نمایم».

تبصره ۱- سوگند اقلیت ها براساس کتاب آسمانی آنها خواهد بود.

تبصره ۲- عدم حضور رئیس کل دادگستری یا نماینده او و نیز نماینده وزیر دادگستری در جلسه مذکور مانع مراسم تحلیف نمی باشد.

ماده ۵۷- کسانی که قبل از لازم الاجراء شدن این قانون در آزمون های ورودی کانون وکلا و مرکز مشاوران پذیرفته شده اند، کارآموزی یا ادامه آن و اعطای پروانه به آنها از سوی کانون وکلای استان برابر مقررات این قانون خواهد بود.

### فصل چهارم - حقوق و تکالیف حرفه ای وکیل

ماده ۵۸- وکلا نمی توانند در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده اند دفتر وکالت تأسیس نمایند و همچنین نمی توانند عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز کنند.

ماده ۵۹- وکیل باید بر اعمال کارکنان دفتر وکالت خود نظارت کند و در صورت عدم نظارت کافی نسبت به خسارات ناشی از تخلفاتی که کارکنان او در دفتر وکالت در ارتباط با وظایف محوله مرتکب می شوند مسؤولیت مدنی دارد. حکم این ماده مانع اقامه دعوی وکیل و زیان دیده علیه کارمند مقصر نیست.

ماده ۶۰- هیچ وکیلی را نمی توان از شغل وکالت محروم یا معلق نمود مگر به موجب رأی قطعی مراجعی که در این قانون تعیین شده و محاکم ذی صلاح.



**ماده ۶۱- حق وکالت، حق مشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری بر اساس تعرفه‌ای است که با توجه به نوع دعوی، میزان خواسته و مراحل دادرسی به وسیله شورای عالی وکالت پیشنهاد و به تصویب کمیسیونی متشکل از وزرای دادگستری، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور می‌رسد. تعرفه‌ها هر سه سال یک‌بار متناسب با عواملی نظیر تغییر شاخص تورم که سالانه از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، قابل تعدیل می‌باشد.**

**تبصره ۱-** عقد قرارداد وکالت و مشاوره به میزان بیش از پنج برابر تعرفه مجاز نیست و مطالبه حق الوکاله و حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلا زاید بر قرارداد یا تعرفه جرم محسوب می‌شود و مرتکب علاوه بر مجازات‌های انتظامی مقرر در این قانون به مجازات تحصیل درآمد نامشروع موضوع ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس، و کلاهبرداری نیز محکوم می‌شود.

**تبصره ۲-** وکیل موظف است با درج مبلغ حق الوکاله در قرارداد وکالتنامه تنظیمی یک نسخه از قرارداد حق الوکاله را به موکل و دادگاه و اداره امور مالیاتی محل دریافت پروانه وکالت ارائه نماید. تخلف از مفاد این تبصره جرم بوده و علاوه بر اینکه موجب منع پذیرش وکالت از سوی دادگاه است، موجب محکومیت مرتکب به مجازات مذکور در تبصره (۱) می‌باشد.

**تبصره ۳-** چنانچه مبالغ مندرج در قرارداد تنظیمی کمتر از میزان تعرفه مصوب باشد در قبال اشخاص ثالث از جمله سازمان امور مالیاتی معتبر نیست.

**ماده ۶۲-** کلیه وکلا موظفند در پایان هر سال عملکرد مالی سالانه خود را طی اظهارنامه به وزارت امور اقتصادی و دارایی منعکس نموده نسبت به پرداخت مالیات سالانه خود اقدام نمایند. تمدید پروانه وکالت آنان از سوی کانون منوط به ارائه مفادحساب مالیاتی است.

**تبصره-** شورای عالی وکالت موظف است ظرف مدت دو سال از لازم الاجراء شدن قانون با هماهنگی قوه قضائیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نسبت به طراحی و اجرای سامانه مناسب جهت مدیریت پرداخت‌های موکلان به وکلا و نظارت کامل کانون بر درآمد وکلا و واریز مالیات متعلقه به حساب دارایی اقدام نماید.

**ماده ۶۳-** در صورتی که وکیل یا همسر وی با قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده یا اعضای شورای حل اختلاف پرونده قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد باید از قبول یا ادامه وکالت نزد مقامات مذکور مستقیماً یا با توکیل غیر خودداری نماید.

**ماده ۶۴-** وکیل نباید هم‌زمان علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی که مشاور یا وکیل آنها است قبول وکالت یا مشاوره یا داورى کند. همچنین مجاز نیست نسبت به پرونده‌هایی که زمانی در آنها قضاوت یا داورى کرده یا وکالت یا مشاوره آنها را برعهده داشته است، مستقیماً یا با توکیل غیر علیه آنها قبول وکالت کند.

**ماده ۶۵-** وکیل در صورت قطع رابطه همکاری با اشخاص حقیقی یا حقوقی که مشاور یا وکیل آنها است، نباید تا سه سال وکالت یا مشاوره علیه آنها را بپذیرد. همچنین نباید هیچ‌گاه علیه اشخاصی که زمانی نزد آنها سمت مدیریتی یا اداری داشته و یا به نحوی از انحاء یا آنها همکاری نموده است، نسبت به پرونده‌ای که علیه آنها تشکیل می‌شود و وی اطلاعات موضوع آن پرونده را در اختیار دارد قبول وکالت، مشاوره یا داورى نماید.

**ماده ۶۶-** وکیل باید پس از ابلاغ رأی یا اخطاری که مستلزم انجام امر یا پرداخت هزینه‌ای از طرف موکل است، بلافاصله موضوع را به موکل یا نماینده او اطلاع دهد.



ماده ۶۷- وکیل مکلف است در جلسه دادرسی حضور یابد مگر اینکه در دو یا چند دادگاه اعم از کیفری و غیر آن دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد که در این صورت باید حضور در دادگاه کیفری را مقدم بدارد و به دادگاه یا دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری را اعزام کند. در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر کیفری دعوت شده باشد و جمع بین اوقات ممکن نباشد، باید در دادگاهی که حضور خود را لازم می داند حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری را اعزام کند. علاوه بر وظایف فوق، در صورتی که وکیل امکان حضور در دادگاهی را ندارد، باید علاوه بر ارسال لایحه به موکل اطلاع دهد تا در صورت تمایل در جلسه رسیدگی حضور یابد.

تبصره- وکیل باید دادگاه کیفری استان را بر دادگاه کیفری مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه کیفری هم عرض دعوت شده باشد حضور وکیل در هر یک از دادگاههای مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

ماده ۶۸- عزل یا استعفاء یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفاء و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

ماده ۶۹- وکیل با رعایت ماده (۶۸)، در صورت استعفاء موظف است مراتب را به موکل و مرجعی که پرونده مورد وکالت در آنجا مطرح می باشد اطلاع دهد. هرگاه وکیلی که حق تجدیدنظرخواهی دارد بخواهد پس از صدور حکم علیه موکل یا در موقع ابلاغ دادنامه غیر قطعی به وی استعفاء کند باید مراتب را به موکل اطلاع دهد و در صورت درخواست موکل، تجدیدنظرخواهی کند و سپس استعفای خود را کتباً به اطلاع دادگاه و موکل برساند.

ماده ۷۰- وکیل باید دارای دفتری باشد که کلیه پرداختهایی را که از طرف موکلان یا متقاضیان مشاوره انجام می گیرد و همچنین مشخصات کامل کلیه اسنادی را که از ایشان دریافت می کند در این دفتر ثبت و با ذکر شماره ثبت و تاریخ به آنان رسید بدهد. این دفتر توسط شورای عالی وکالت با هماهنگی سازمان امور مالیاتی کشور طراحی و به همه کانونهای استانی ابلاغ می شود. دفتر مزبور به وسیله رئیس کانونهای استانی شماره گذاری و امضاء خواهد شد.

ماده ۷۱- وکیل باید برای هر موکل پرونده ای تشکیل دهد که متضمن کلیه اقدامات انجام شده برای موکل باشد و سوابق دعاوی موکلان را تا ده سال پس از مختومه شدن پرونده ها نگهداری کند و دارای دفتر ثبت و بایگانی منظم باشد. نحوه ثبت، تنظیم و نگهداری دفاتر و اوراق به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می شود.

تبصره- شورای عالی وکالت موظف است ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون سامانه ای برای ثبت این امر و سایر موارد مذکور در این قانون طراحی و ایجاد نماید و از آن تاریخ وکلا موظف به ثبت الکترونیکی اطلاعات ذکر شده در سامانه یاد شده می باشند. شورای مذکور موظف است در طراحی این سامانه برای امکان نظارت، رعایت جنبه های امنیتی، تمرکز اطلاعات و اخذ حقوق دولتی هماهنگی های لازم را با دستگاه های ذی ربط به عمل آورد.

ماده ۷۲- وکیل باید نشانی دفتر وکالت خود را با شماره تلفن و رایانامه و مشخصات پستی و ارتباطی و همچنین اسامی و مشخصات کارکنان دفتر و تغییرات بعدی آن را به کانون استانی اعلام کند.

ماده ۷۳- وکیل بعد از انقضای مدت اعتبار پروانه وکالت و عدم تمدید آن، حق قبول وکالت را ندارد. وکیل مکلف است در صورت انقضای اعتبار پروانه و در اختیار داشتن پرونده در جریان، برای تمدید پروانه وکالت خود اقدام کند.



**ماده ۷۴-** وکیل باید در حدود مقررات تلاش خود را برای اطلاع از محتوای پرونده به کار گیرد و اقدامات

متناسب و به موقع را در دفاع از موکل انجام دهد به نحوی که فرصت‌ها و امکان دفاع از موکل تضییع نشود.

**ماده ۷۵-** صدور پروانه وکالت برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان و اعضای موظف شوراهای اسلامی شهر و روستا و نیز تمام کارمندان رسمی، پیمانی و قراردادی (تمام وقت) وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و تمام دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکها و بیمه‌های دولتی، دارندگان پایه قضائی، نیروهای مسلح، سردفتران، دفتریاران اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و کارشناسان رسمی دادگستری در زمان اشتغال ممنوع است. افراد یادشده همزمان نمی‌توانند پروانه وکالت دریافت نمایند.

**تبصره-** وکلایی که به صورت تمام وقت در دستگاههای یادشده شاغل هستند، نمی‌توانند همزمان وکالت نمایند

و باید تا زمانی که در سمتهای مذکور هستند پروانه خود را تودیع کنند. پروانه متخلفان ابطال می‌شود.

**ماده ۷۶-** چنانچه کارآموز یا وکیل، بعد از شروع کارآموزی یا اخذ پروانه وکالت، فاقد یکی از شرایط لازم برای ورود به حرفه وکالت یا ادامه اشتغال به وکالت شود، یا یکی از موانع وکالت در وی ایجاد شود یا معلوم شود که شرط را از ابتدا فاقد بوده است، مکلف است بلافاصله از تاریخ فقدان شرط یا حدوث مانع یا اطلاع از آنها، مراتب را به کانون اعلام و اگر پروانه کارآموزی یا وکالت اخذ کرده است، آن را تسلیم کانون کند. این امر مانع انجام وظایف مراجع نظارتی در اعلام مراتب به کانون مربوط نخواهد بود.

**ماده ۷۷-** وکیل باید وکالتهای معاضدتی و تسخیری و اموری را که بر اساس قوانین از طرف کانون استانی مربوط به وی محول می‌شود، بپذیرد و با جدیت انجام دهد و از جریان امور محوله، واحد مربوط را مطلع سازد.

**ماده ۷۸-** کارآموزان باید در دوره‌های آموزشی که بنا به تشخیص کانون‌های استانی برای کارآموزان برگزار می‌شود، شرکت کنند.

**تبصره-** کانون‌های استانی می‌توانند تمديد پروانه کارآموزان یا وکلا را با توجه به میزان تحصیلات، سابقه اشتغال به وکالت و سن مشروط به گذراندن تمام یا برخی از دوره‌های آموزشی مذکور نمایند.

**ماده ۷۹-** وکیل باید کلیه مکاتبات خود را با استفاده از سربرگی که حاوی نام، نام خانوادگی، نشانی دفتر، شماره تلفن، شماره عضویت و نام کانون استانی مربوط به وی باشد، انجام دهد و از قید عناوین شغلی سابق خود در آنها اجتناب کند، لکن قید عنوان دکتر و سایر عناوین تحصیلی برای دارندگان آن مجاز است.

**تبصره ۱-** رعایت مفاد ممنوعیت‌های این ماده در مورد کارت شغلی و تابلوی وکلای دادگستری نیز الزامی است.

**تبصره ۲-** رعایت مفاد این ماده در مورد کارآموزان وکالت دادگستری نیز الزامی است. کارآموزان وکالت بعد از نیمه اول کارآموزی از حق چاپ و انتشار سربرگ و کارت شغلی با قید عبارت کارآموز برخوردارند و در تمام مدت کارآموزی از حق تهیه و نصب تابلو ممنوع می‌باشند.

**ماده ۸۰-** وکیل باید در صورت تعلیق، به درخواست دادرای انتظامی وکلا، بلافاصله پروانه، دفترچه و کارت

شناسایی وکالت خود را به کانون تحویل دهد. این اسناد تا پایان مدت تعلیق، نگهداری خواهد شد.

**ماده ۸۱-** وکیل باید تعهدات مالی خود را نسبت به کانون و صندوق حمایت وکلای دادگستری در سررسید

مقرر ایفا کند.



تبصره- هیأت مدیره کانون‌های استانی مکلفند تعهدات مالی کانون مربوط را نسبت به صندوق حمایت وکلای دادگستری ایفا کنند. هر یک از اعضای هیأت مدیره در قبال عدم انجام این تعهد مسئولیت انتظامی دارد.

ماده ۸۲- وکیل می‌تواند با تأیید رئیس هیأت مدیره کانون نسبت به تودیع پروانه وکالت خود به کانون استانی مربوط اقدام نماید. در این مدت حقوق و تکالیف حرفه‌ای وی با حفظ حقوق اشخاص ثالث به حالت تعلیق در می‌آید. پروانه تودیع شده با تصویب هیأت مدیره مسترد خواهد شد.

ماده ۸۳- معاضدت قضائی عبارتست از ارائه خدمات مشاوره حقوقی رایگان به اشخاص نیازمند و ارائه وکالت رایگان یا با نرخ کمتر از تعرفه به اشخاصی که دلایلی برای ذی‌حق بودن آنان وجود داشته باشد، لیکن تمکن مالی لازم را برای استخدام وکیل ندارند.

تبصره ۱- نحوه تعیین و تشخیص اشخاص ذی‌حق و فاقد تمکن مالی مطابق آیین‌نامه اجرائی این قانون خواهد بود.

تبصره ۲- اشخاص حقوقی حقوق عمومی از شمول این ماده مستثنی می‌باشند.

ماده ۸۴- هرگاه مطابق قوانین و مقررات مقام قضائی استحقاق متهم پرونده کیفری را برای داشتن وکیل تسخیری احراز نماید مراتب را به کانون وکلای مربوط اعلام می‌کند. کانون مذکور حداکثر ظرف یک هفته نسبت به تعیین و معرفی وکیل اقدام می‌نماید.

ماده ۸۵- در هر کانون اداره‌ای به نام معاضدت قضائی تشکیل می‌شود که وظایف زیر را به عهده دارد:

۱- تعیین و معرفی وکیل تسخیری در پرونده‌های کیفری به دادگاه رسیدگی کننده؛

۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به تقاضای وکیل معاضدت؛

۳- معرفی وکیل برای وکالت یا ارائه مشاوره حقوقی معاضدت در امور مدنی و کیفری و دیوان عدالت اداری در محل کانون، مراجع قضائی یا محلهایی که کانون تعیین می‌کند.

تبصره ۱- تشکیلات این اداره مطابق آیین‌نامه اجرائی این قانون تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کانون موظف است ارائه مشاوره حقوقی معاضدت را به نحو متناسب با نیاز آن کانون میان کلیه

وکلای آن حوزه توزیع نماید.

ماده ۸۶- مرجع اتخاذ تصمیم در مورد تقاضاهای بند (۲) ماده (۸۵) رئیس اداره معاضدت است که باید حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ ثبت تقاضا درخصوص قبول یا رد آن اظهارنظر کند. پس از انقضای مهلت مذکور تقاضا پذیرفته شده محسوب و اداره معاضدت مکلف است بلافاصله نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت رد تقاضا، متقاضی می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم به هیأت مدیره اعتراض کند.

تبصره- در مواردی که فوریت امر، اتخاذ تصمیم در مدت کمتری را اقتضاء نماید، اتخاذ تصمیم باید متناسب با

فوریت امر باشد.

ماده ۸۷- وکلا مکلفند در صورت ارجاع اداره معاضدت کانون محل صدور پروانه هر سال حداقل در چهار

دعوی به عنوان معاضدت یا تسخیری قبول وکالت نمایند.

تبصره- هر وکیل موظف است حداکثر پنجاه ساعت در سال مشاوره حقوقی معاضدت ارائه نماید.



ماده ۸۸- در پرونده‌هایی که رأی به نفع موکل صادر شود در صورت درخواست وکیل معاضدتی، حق الوکاله طبق تعرفه موضوع حکم قرار می‌گیرد و از محل محکوم‌به پرداخت می‌گردد. وکیل معاضدتی از ابطال تمبر مالیاتی و سایر هزینه‌های مربوط معاف است.

تبصره ۱- حق الوکاله وکلای معاضدتی و تسخیری در ردیف بودجه سالانه قوه قضائیه پیش‌بینی شده و مطابق تعرفه پرداخت می‌شود.

تبصره ۲- وکیل معاضدتی مکلف است نسبت به تنظیم وکالتنامه اقدام و نسخه‌ای از آن را به اداره معاضدت ارسال کند.

تبصره ۳- پرداخت حق الوکاله موضوع این ماده به وکیل معاضدتی منوط به ابطال تمبر مالیاتی طبق مقررات خواهد بود.

ماده ۸۹- وکیل معاضدتی یا تسخیری مکلف است با توجه به نوع کار ارجاعی اقدام لازم را در اسرع وقت انجام داده و گزارش کار را همراه با تصویری از شکواییه، دادخواست یا لوایح به اداره معاضدت ارسال کند.

#### فصل پنجم- مقررات انتظامی

#### مبحث اول- مجازات انتظامی

ماده ۹۰- مجازات‌های انتظامی به ترتیب زیر است:

۱- تذکر شفاهی؛

۲- توبیخ کتبی بدون درج در پرونده؛

۳- توبیخ کتبی با درج در پرونده؛

۴- توبیخ کتبی با درج در نشریه کانون؛

۵- ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا یکسال؛

۶- ممنوعیت از وکالت از یک سال تا پنج سال؛

۷- ابطال پروانه و ممنوعیت دائم از وکالت.

ماده ۹۱- متخلفان از تکالیف زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه یک تا پنج محکوم می‌شوند:

۱- عدم رعایت شئون شغلی وکالت؛

۲- عدم نظارت کافی بر کارکنان دفتر وکالت؛ موضوع ماده (۵۹)؛

۳- قبول همزمان مشاوره یا وکالت علیه اشخاصی که مشاور یا وکیل آنهاست و یا قبل از انقضای سه سال از

تاریخ قطع رابطه مشاوره یا وکالت؛ موضوع ماده (۶۵)؛

۴- عدم رعایت تکلیف مقرر در مواد (۶۹)، (۷۲) و (۷۳)؛

۵- استنکاف از قبول وکالت تسخیری یا معاضدتی و خدمات مشاوره حقوقی معاضدتی در موارد محوله از سوی

کانون مربوط، موضوع ماده (۷۷)؛

۶- مانع شدن از استقرار صلح و سازش بین طرفین در هر یک از مراحل دعوی؛

۷- عدم تنظیم وکالتنامه مطابق مقررات قانونی؛

۸- عدم دریافت اوراق ارسالی از سوی کانون اعم از نامه، اخطار، کیفرخواست و غیره که به وسیله مأمور یا پست

فرستاده می‌شود یا عدم ارائه رسید اوراق دریافتی؛

- ۹- پاسخ ندادن به شکایت‌ها و اعلامات انتظامی در مواعد تعیین شده و حاضر نشدن در دادگاه حسب دعوت مراجع مذکور بدون عذر موجه؛
- ۱۰- عدم رعایت نظاماتی که در حدود اختیارات توسط کانون استانی و شورای عالی وکالت در ارتباط با وظایف وکلا و کارآموزان وضع می‌شود؛
- ۱۱- تبلیغ در رسانه‌ها و جراید؛
- ۱۲- اظهار به داشتن اعتبار و نفوذ نزد مراجع قضائی، شبه قضائی و اداری جهت تشویق مراجعه کنندگان به انعقاد وکالت؛
- ۱۳- عدم صداقت در بیان توانایی علمی و عملی نسبت به موضوع وکالت و برآورد هزینه‌های دادرسی و امکان پیشرفت دعوی به نفع موکل؛
- ۱۴- قبول وکالت یا مشاوره در موضوعاتی که قبلاً به واسطه داشتن سمت قضائی یا اداری یا داوری یا کارشناسی در آن اظهار نظر کرده است؛
- ۱۵- اقدام برای رد قاضی یا داور یا وکیل طرف مقابل یا اطلاع دادرسی با شیوه‌ها و طرق خدعه‌آمیز؛
- ۱۶- عدم تسلیم صورت کامل و دقیق هزینه‌های انجام شده در جریان دعوی به موکل علی‌رغم درخواست وی
- ماده ۹۲- مرتکبین هر یک از تخلفات زیر به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه پنج تا هفت محکوم می‌شوند:
  - ۱- عدم انجام تکالیف مقرر در مواد (۵۸)، (۶۶)، (۶۷)، (۷۴) و (۷۹)؛
  - ۲- قبول وکالت در مدت ممنوعیت از وکالت و تعلیق؛
  - ۳- استفاده از عناوین خلاف واقع یا توسل به طرق و وسایل فریبنده برای تحصیل وکالت یا پیشبرد امر وکالت؛
  - ۴- قبول وکالت برای طرف مقابل دعوی علیه موکل سابق پس از عزل یا استعفا یا انتفای وکالت در همان دعوی یا دعاوی مرتبط با آن؛
  - ۵- تشویق شهود یا موکل برای شهادت کذب یا اظهارات خلاف واقع؛
  - ۶- ارائه اسناد و مدارک یا اطلاعات خلاف واقع به قاضی، کارشناس یا اشخاصی که به نحوی در رسیدگی قضائی در دعوی یا شکایت مداخله دارند، با علم به خلاف واقع بودن آنها؛
  - ۷- دریافت هرگونه وجه یا مال یا سندی اعم از رسمی یا غیر رسمی از موکل علاوه بر حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر؛
  - ۸- به کارگیری کارکنان اداری و قضائی قوه قضائیه در امور وکالت تحت هر عنوان؛
  - ۹- عدم استرداد اموال، اسناد و مدارک و سپرده‌های وصولی به نام موکل پس از تصفیه حساب؛
  - ۱۰- انتقال دعوای موکل به هر نحوی به خود و قبول وکالت از موکل به طور ساختگی؛
  - ۱۱- افشای اسراری که به اقتضای امر وکالت از آن مطلع شده است، در غیر از موارد قانونی؛
  - ۱۲- تبانی با طرف مقابل موکل خود که منجر به تضییع حق و اضرار موکل گردد؛
  - ۱۳- تضمین شفاهی یا کتبی مبنی بر اخذ حکم به نفع موکل؛
  - ۱۴- مداخله در امر وکالت در سال اول کارآموزی یا قبول وکالت در غیر از جرایم و دعاوی مندرج در ذیل ماده (۴۸) در سال دوم کارآموزی؛
  - ۱۵- اخلال در نظم دادگاه و عدم رعایت نزاکت و احترام دادگاه به طور شفاهی یا کتبی.



**ماده ۹۳-** صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت وکیل به ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرائم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیرحدی و رشا و نیز جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها حبس سه سال یا بیشتر باشد، موجب مجازات انتظامی درجه هفت است.

**تبصره ۱-** محکومیت کیفری مؤثر در سایر جرائم عمدی با هر میزان مجازات موجب مجازات انتظامی درجه سه تا پنج خواهد بود.

**تبصره ۲-** مراجع قضائی مکلفند در صورت صدور کیفرخواست علیه وکیل در جرائم موضوع این ماده، مراتب را به همراه نسخه‌ای از قرار مجرمیت و کیفرخواست به کانون استانی متبوع وکیل متهم اعلام نمایند. کانون استانی مربوط موضوع را به دادگاه انتظامی وکلا اعلام می‌نماید. دادگاه انتظامی پس از بررسی قرار مجرمیت و کیفرخواست صادره چنانچه دلایل توجه اتهام به متهم را قوی بداند و ادامه وکالت وکیل را با لحاظ موارد مذکور منافی شئون وکالت تشخیص دهد، حکم به تعلیق وکیل مذکور به مدت شش ماه صادر می‌نماید. چنانچه در پایان مدت شش ماه مذکور حکم قطعی صادر نشده باشد تعلیق صادره برای مدت شش ماه دیگر نیز قابل تمدید است.

**ماده ۹۴-** در صورت تخلف هر یک از اعضای هیأت مدیره‌های کانون‌های وکلای رسمی یا هر یک از اعضای آن از تکالیفی که این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط بر عهده آنان نهاده است، به حکم دادگاه انتظامی وکلای مرکز، بر حسب مورد و نوع تخلف به مجازات انتظامی درجه سه تا شش و عنداللزوم به محرومیت از عضویت در هیأت‌های مدیره به مدت یک تا پنج سال محکوم می‌شوند. در صورتی که تخلف هیأت‌های مدیره از انجام وظایف قانونی ناشی از تقصیر برخی از اعضاء باشد، تنها آنان مسؤولیت خواهند داشت.

**ماده ۹۵-** ارتکاب تخلفات متعدد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است. چنانچه تخلفات ارتكابی دارای مجازات‌های متفاوتی باشند، مجازات تخلفی تعیین می‌شود که شدیدتر است و چنانچه دارای مجازات یکسان باشند، مجازات مربوط یک تا دو درجه تشدید می‌شود.

**ماده ۹۶-** چنانچه تخلفی که قبلاً برای آن مجازات تعیین شده تکرار شود، مرتکب به مجازات حداقل یک درجه و حداکثر دو درجه شدیدتر از مجازات تعیین شده قبلی محکوم می‌شود.

#### **مبحث دوم- دادسرا و دادگاه بدوی و تجدیدنظر انتظامی وکلا**

**ماده ۹۷-** به منظور رسیدگی به تخلفات وکلا و کارآموزان وکالت در کانون‌های استانی، دادسرا و دادگاه انتظامی به ترتیب مقرر در مواد آتی تشکیل می‌شود.

**ماده ۹۸-** دادگاه بدوی انتظامی وکلا می‌تواند بنا به تشخیص هیأت مدیره کانون و تأیید شورای عالی وکالت، شعب متعدد داشته باشد. در صورت تعدد شعب، ریاست شعب با رئیس شعبه اول خواهد بود.

**ماده ۹۹-** هر شعبه دادگاه بدوی انتظامی دارای سه عضو است که از بین وکلای پایه یک از سوی هیأت مدیره کانون انتخاب و پس از تأیید هیأت نظارت و با حکم رئیس هیأت منصوب می‌شوند. انتخاب رئیس دادگاه با هیأت نظارت خواهد بود. اعضاء علاوه بر شرایط مذکور در ماده (۱۱) باید دارای شرایط زیر باشند:

۱- داشتن حداقل چهل و پنج سال سن؛

۲- داشتن حداقل پانزده سال سابقه وکالت یا قضاوت؛

۳- نداشتن سابقه محکومیت کیفری مؤثر و هرگونه محکومیت انتظامی درجه چهار و بالاتر.



تبصره ۱- رأی دادگاه پس از مشورت اعضاء بر اساس اکثریت آراء معتبر صادر خواهد شد. نظر اقلیت باید در ذیل رأی درج گردد.

تبصره ۲- مدت عضویت اعضاء دادگاه انتظامی وکلا چهار سال است. انتخاب مجدد آنان برای یک دوره متوالی بلامانع است.

ماده ۱۰۰- دادرای انتظامی وکلا در معیت هر دادگاه انتظامی وکلا تشکیل می‌شود. ریاست دادرای با دادستان است که از بین وکلای واجد شرایط مندرج در ماده (۹۹) توسط هیأت مدیره کانون هر استان با دوسوم آراء انتخاب و با ابلاغ وزیر دادگستری منصوب می‌شود و می‌تواند به تعداد لازم دادیار داشته باشد. دادیاران که از بین وکلا انتخاب می‌شوند در امر تعقیب و رسیدگی تحت نظارت و تعلیمات دادستان اقدام می‌کنند.

تبصره- علاوه بر دادستان انتظامی وکلا، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان نیز حق اعتراض به آرای قطعی دادگاه بدوی انتظامی وکلا را دارد.

ماده ۱۰۱- دادیاران به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره از بین وکلایی که دارای شرایط زیر باشند انتخاب و با ابلاغ وزیر دادگستری منصوب می‌شوند:

۱- داشتن حداقل سی سال سن؛

۲- داشتن حداقل پنج سال سابقه اشتغال به وکالت یا قضاوت؛

۳- نداشتن محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر و محکومیت کیفری مؤثر.

تبصره- در صورت تعدد دادیاران یک نفر از آنان به پیشنهاد دادستان و تصویب هیأت مدیره به عنوان جانشین دادستان تعیین خواهد شد.

ماده ۱۰۲- دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا از پنج نفر وکیل دارای شرایط مذکور در ماده (۱۰۱) با انتخاب شورای عالی وکالت و تأیید رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود. رأی دادگاه تجدیدنظر انتظامی با نظر موافق سه عضو معتبر می‌باشد. آراء دادگاه تجدیدنظر ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی قضات می‌باشد. تبصره- دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا در تهران مستقر است و می‌تواند بنا به تشخیص شورای عالی وکالت و تصویب وزیر دادگستری دارای شعب باشد.

ماده ۱۰۳- تخلفات رئیس و اعضاء هیأت مدیره و بازرسان کانون‌های استانی و دادستان و دادیاران دادرای انتظامی و وکلای عضو دادگاه بدوی کلیه استان‌ها در مورد تکالیف حرفه‌ای مربوط به وکالت و نیز وظایف مربوط به اجرای این قانون، در شعبه اول دادگاه بدوی انتظامی وکلای استان تهران رسیدگی می‌شود. تبصره ۱- آرای صادره از دادگاه انتظامی بدوی وکلای استان تهران موضوع این ماده، در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا قابل تجدیدنظر است.

تبصره ۲- به تخلفات رئیس و اعضاء هیأت مدیره، بازرسان و اعضاء دادگاه انتظامی وکلای استان تهران در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا رسیدگی می‌شود و تجدیدنظرخواهی از این آراء در دادگاه عالی انتظامی قضات رسیدگی می‌شود.

تبصره ۳- به تخلفات رئیس و سایر اعضاء دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا، در دادگاه عالی انتظامی قضات رسیدگی می‌شود. آراء صادره از دادگاه عالی انتظامی قضات قطعی و لازم‌الاجراء است.



### مبحث سوم- آیین رسیدگی انتظامی

ماده ۱۰۴- تعقیب انتظامی وکیل یا کارآموز با شکایت شاکی خصوصی یا اطلاع و تشخیص دادستان انتظامی

وکلا آغاز می شود.

تبصره- گذشت شاکی خصوصی مانع تعقیب انتظامی نیست.

ماده ۱۰۵- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی، سه سال است.

ماده ۱۰۶- حضور طرفین یا مطلعان در جریان تحقیقات مقدماتی دادرسی انتظامی موکول به نظر مقام رسیدگی

کننده به پرونده است. در صورتی که دادرسی یا دادگاه های انتظامی حضور شاکی یا مشککی عنه را برای ادای توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند حسب مورد احضاریه صادر می نماید.

ماده ۱۰۷- شکایات و گزارش ها در مورد تخلفات وکلا و کارآموزان باید در دبیرخانه کانون مربوط ثبت و بلافاصله نزد دادستان انتظامی ارسال شود. دادستان شخصاً رسیدگی یا رسیدگی را به یکی از دادیاران ارجاع می نماید.

تبصره ۱- یک نسخه از تصویر شکوائیه یا گزارش و مستندات آن به وکیل یا کارآموز مورد تعقیب ابلاغ می گردد تا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ، پاسخ خود را به دفتر دادرسی تسلیم کند.

تبصره ۲- ترتیبات ابلاغ مطابق قانون آیین دادرسی مدنی انجام می گیرد.

تبصره ۳- اعلام اوقات رسیدگی در دادرسی و دادگاه انتظامی با رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری می تواند از طریق تماس تلفنی، ارسال پیامک یا رایانامه (پست الکترونیک) صورت گیرد. ابلاغ اوراق و قرارهای دادرسی و آرای دادگاه های انتظامی نیز با استفاده از رایانامه (پست الکترونیک) میسر است.

ماده ۱۰۸- پس از وصول پاسخ شکوائیه یا گزارش و یا انقضای مدت مقرر و عدم وصول پاسخ بدون عذر موجه از ناحیه وکیل یا کارآموز مورد تعقیب، رسیدگی ادامه می یابد. جهات عذر موجه به شرحی است که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

تبصره ۱- چنانچه در جریان رسیدگی، دادیار از تخلفات دیگر وکیل یا کارآموز مورد تعقیب مطلع شود، مراتب را به دادستان اعلام خواهد نمود. در صورت موافقت وی وکیل مزبور از این جهت نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲- جهات رد دادستان و دادیاران همان است که برای اعضای دادگاه انتظامی تعیین می شود.

ماده ۱۰۹- دادرسی و دادگاه می تواند در جهت رسیدگی به شکایات یا گزارشات واصله در مورد وکلا و کارآموزان از وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت های دولتی و کلیه دستگاه هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانکها و بیمه های دولتی، دفاتر اسناد رسمی، مراجع قضائی و مؤسسات عمومی و عام المنفعه، اطلاعات و تصویر اسناد لازم را مطالبه کند. مراجع مزبور مکلفند اطلاعات و اسناد مورد مطالبه دادرسی و دادگاه را که مرتبط با تخلفات است ظرف مدت ده روز در اختیار مرجع رسیدگی کننده قرار دهند، مگر آنکه از اسناد طبقه بندی شده باشند که در این صورت مطابق مقررات حاکم بر اسناد طبقه بندی شده اقدام مقتضی را معمول خواهد نمود.

تبصره ۱- مرجع رسیدگی می تواند با رعایت مقررات با اعزام نماینده از اطلاعات پرونده یا اسناد عادی گزارش

تهیه نماید.



تبصره ۲- عدم همکاری در این مورد سهل‌انگاری در انجام وظیفه اداری محسوب و مرتکب از سوی مراجع اداری و انتظامی مربوط به انفصال از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۰- تعقیب انتظامی وکیل مانع تعقیب کیفری و طرح دعوای مدنی علیه وی نیست. در مواردی که موضوع شکایت از موارد موضوع ماده (۹۳) باشد، دادسرا تعقیب انتظامی را منوط به رسیدگی به جنبه کیفری موضوع در مراجع قضائی کرده و مراتب را کتباً به شاکی اعلام می‌کند. چنانچه شاکی ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام، شکایت خود را در مرجع صالح مطرح و گواهی مربوط را به دادسرای انتظامی تسلیم نماید رسیدگی به پرونده تا اتخاذ تصمیم قطعی قضائی نسبت به شکایت کیفری شاکی متوقف می‌شود. در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب نباشد و شاکی ظرف مهلت مقرر در این ماده گواهی مورد نظر را ارائه نکند، پرونده بایگانی می‌شود و آغاز مجدد رسیدگی موکول به مراجعه شاکی پیش از تحقق مرور زمان موضوع ماده (۱۰۵) خواهد بود و در این صورت دادسرا بدون توجه به جنبه کیفری موضوع، رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد کرد. در صورتی که جرم بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب باشد، دادسرای انتظامی رأساً به دادسرای عمومی اعلام جرم خواهد کرد.

ماده ۱۱۱- در صورت فوت یا جنون وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا شمول مرور زمان یا تخلف نبودن عمل ارتكابی یا عدم احراز تخلف، تعقیب انتظامی متوقف و قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب وکیل یا کارآموز صادر می‌شود. تبصره- در صورتی که وکیل یا کارآموز مجنون پیش از حصول مرور زمان افاقه حاصل کند، تعقیب انتظامی ادامه می‌یابد.

ماده ۱۱۲- قرارهای صادره در دادسرای انتظامی وکلا به طرفین و رئیس کانون ابلاغ می‌شود تا چنانچه اعتراضی دارند ظرف مدت ده روز کتباً به دادسرا تسلیم کنند. در این صورت، پرونده به دادگاه انتظامی کانون فرستاده می‌شود. چنانچه دادگاه اعتراض را وارد تشخیص دهد، قرار صادره را نقض و پرونده را جهت تنظیم کیفرخواست به دادسرا ارجاع می‌دهد. در غیر این صورت قرار صادره را تأیید خواهد کرد و تصمیم دادگاه مبنی بر تأیید قرار دادسرا قطعی است.

ماده ۱۱۳- دادیار انتظامی پس از رسیدگی عقیده خود را ابراز می‌کند. در صورتی که دادیار عقیده به تعقیب انتظامی داشته و دادستان با وی موافق باشد کیفرخواست تنظیم می‌شود و پرونده از طریق دفتر دادستان جهت ارجاع به یکی از شعب دادگاه به نظر رئیس دادگاه انتظامی وکلا می‌رسد و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد، نظر دادستان انتظامی تعیین کننده است و دادیاران تابع دادستان انتظامی هستند.

ماده ۱۱۴- دادستان انتظامی در صورت احراز تخلفی که مستوجب مجازات‌های انتظامی تا درجه چهار باشد چنانچه شاکی انتظامی نداشته یا شاکی از شکایت خود صرف‌نظر کرده باشد، می‌تواند در صورت نداشتن سابقه محکومیت انتظامی برای یکبار قرار تعلیق تعقیب صادر کند. قرار صادره از جانب وکیل یا کارآموز تحت تعقیب ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض بوده و در دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۱۵- پس از صدور کیفرخواست، نسخه‌ای از آن به وکیل یا کارآموز مورد تعقیب ابلاغ می‌شود تا پاسخ کتبی خود را ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به دفتر دادسرا تسلیم کند.

ماده ۱۱۶- پس از وصول پاسخ یا انقضای مهلت مقرر، دادگاه انتظامی با تعیین وقت رسیدگی، طرفین را جهت ادای توضیحات دعوت می‌نماید. عدم حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

ماده ۱۱۷- عضو دادگاه انتظامی وکلا در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین نیز می‌توانند او را رد

کنند:



۱- عضو دادگاه دارای قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا موکل وی و یا شاکی باشد.

۲- عضو دادگاه قبلاً یا در زمان رسیدگی، وکیل پرونده‌ای بوده یا باشد که وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا شاکی در آن به عنوان وکیل دخالت داشته باشد.

۳- بین عضو دادگاه و اقرای وی تا درجه دوم از طبقه سوم با وکیل یا کارآموز مورد تعقیب یا موکل وی یا شاکی، دعوای حقوقی یا جزائی مطرح باشد.

۴- عضو دادگاه قبلاً به واسطه سمت در دادرسی یا دادگاه انتظامی وکلا، سمت قضائی، داوری یا کارشناسی نسبت به موضوع اظهارنظر کتبی کرده باشد.

ماده ۱۱۸- دادگاه انتظامی وکلا فقط به تخلفات اعلام شده در حدود کیفرخواست رسیدگی می نماید و در صورت احراز تخلف، تطبیق عمل انتسابی با مواد قانون با دادگاه است. در صورتی که دادگاه در حین رسیدگی تخلف دیگری را مشاهده نماید، مراتب را جهت تعقیب و رسیدگی به دادرسی انتظامی وکلا اعلام خواهد نمود.

ماده ۱۱۹- دادستان انتظامی وکلا یا یکی از دادیاران به نمایندگی از وی می تواند به منظور دفاع از کیفرخواست و ادای توضیحات موردنظر دادگاه انتظامی وکلا در جلسه رسیدگی حضور یابد.

ماده ۱۲۰- احکام دادگاه انتظامی وکلا مبنی بر محکومیت به مجازات‌های تا درجه سه قطعی و از درجه چهار و بالاتر از طرف محکوم علیه و دادستان انتظامی قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر انتظامی وکلا است. مهلت اعتراض ده روز از تاریخ ابلاغ حضوری دادنامه یا ابلاغ آن به ترتیب مقرر در ماده (۱۰۷) است.

ماده ۱۲۱- در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس کل دادگستری استان مربوط یا رئیس یا دادستان انتظامی کانون وکلای استانی مربوط با ذکر دلایل در حین رسیدگی به تخلف موضوع ماده (۹۲) ادامه اشتغال وکیل یا کارآموز مورد تعقیب را به کار وکالت یا کارآموزی مصلحت نداند می تواند از دادگاه انتظامی وکلای کانون مربوط تعلیق موقت او را درخواست کند. هیأت مدیره نیز می تواند در صورت تصویب دوسوم اعضای اصلی، تعلیق وکیل مورد تعقیب را درخواست کند. در این صورت رئیس کانون‌های استانی موضوع را جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می کند. دادگاه موظف است خارج از نوبت رسیدگی کند و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود، این رأی بلافاصله قابل اجراست.

تبصره ۱- وکیل یا کارآموز می تواند از رأی دادگاه انتظامی وکلا مبنی بر تعلیق، ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ، درخواست تجدیدنظر نماید. در صورت رد درخواست تعلیق درخواست کننده، ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ حق تجدیدنظرخواهی دارد.

تبصره ۲- مدت تعلیق وکیل حداکثر شش ماه می باشد و در صورت لزوم برای یکبار قابل تمدید می باشد.

ماده ۱۲۲- در صورتی که علیه وکیل یا کارآموز به اتهام ارتکاب یکی از جرائم موضوع ماده (۹۳) کیفرخواست صادر شود، دادستان عمومی و انقلاب صادره کننده کیفرخواست باید رونوشت آن را برای دادستان انتظامی و رئیس کانون استانی متبوع بفرستد. رئیس کانون یا دادستان انتظامی رونوشت کیفرخواست را مستقیماً به دادگاه انتظامی وکلا ارسال می دارد. در صورتی که دادگاه انتظامی دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل یا کارآموز را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، رأی تعلیق موقت او را برای مدت شش ماه صادر می کند. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به وکیل یا کارآموز قابل اعتراض است.



ماده ۱۲۳- در مواردی که تخلف انتظامی واجد جنبه کیفری است چنانچه جنبه انتظامی از کیفری قابل تفکیک باشد دادگاه انتظامی به تخلف رسیدگی و حکم صادر می نماید و جهت رسیدگی به جنبه کیفری یا در صورتی که جنبه انتظامی از کیفری قابل تفکیک نباشد پرونده را جهت رسیدگی به مرجع صلاحیتدار قضائی ارسال می نماید.

ماده ۱۲۴- ترتیبات رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر وکلا همان است که برای دادگاه بدوی وکلا پیش بینی گردیده است؛ مگر آنکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

### فصل ششم- صندوق حمایت وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت

ماده ۱۲۵- وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت چنانچه عضو صندوق بیمه ای دیگری نباشند، طبق مقررات این قانون از طریق بیمه اجباری از حمایت های بازنشستگی و ازکارافتادگی و فوت و خدمات درمانی و رفاهی برخوردار می شوند.

تبصره ۱- چگونگی بهره مندی از حمایت های موضوع این قانون توسط مشمولان و افراد تحت تکفل آنان به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزیر دادگستری می رسد.

تبصره ۲- هیچ وکیل یا کارآموزی نمی تواند همزمان مشمول دو صندوق بیمه ای باشد. وکلا و کارآموزانی که عضو سایر صندوق ها بوده یا می باشند مخیرند یکی از دو صندوق را انتخاب نمایند و یا با رعایت قوانین و مقررات مربوط سوابق بیمه ای خود را به صندوق محل کار جدید منتقل کنند.

تبصره ۳- وکلایی که عضو صندوق حمایت وکلای دادگستری نمی باشند، به موجب مقرراتی که در آیین نامه اجرائی مقرر در تبصره (۱) این ماده پیش بینی خواهد شد، می توانند از امکانات رفاهی صندوق استفاده نمایند.

ماده ۱۲۶- نام صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری به صندوق حمایت وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت تغییر می یابد که از این پس به اختصار «صندوق» نامیده می شود. این صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و مطابق مقررات این قانون و اساسنامه مصوب اداره خواهد شد. حق بیمه مأخوذه از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف می باشد.

ماده ۱۲۷- اساسنامه صندوق ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط شورای عالی وکالت تهیه و به تصویب وزیر دادگستری می رسد.

ماده ۱۲۸- منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

۱- حق بیمه ای که مشمولین این قانون مستقیماً به صندوق می پردازند.

۲- وجوهی که کانون های وکلا به صندوق می پردازند.

۳- سود و منافع حاصل از درآمدها و سرمایه گذاری های صندوق، به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می شود.

۴- وجوه موضوع مواد (۱۲۹)، (۱۳۰) و (۱۳۱).

۵- کمک ها و هدایایی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی به صندوق داده می شود.

تبصره- دریافت کمک ها و هدایا از اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی، منوط به تصویب شورای عالی وکالت و تأیید وزیر دادگستری می باشد.

ماده ۱۲۹- کلیه وجوه مربوط به کسور بازنشستگی یا حق بیمه (اعم از سهم دولت یا کارفرما و متقاضی) آن دسته از افرادی که قبل از اخذ پروانه وکالت طبق قوانین به سایر صندوق ها پرداخت شده در صورت درخواست کتبی



متقاضی باید به این صندوق واریز شود. در هر حال استفاده از مزایای بازنشستگی موضوع این صندوق منوط به اشتغال به وکالت و پرداخت حداقل ده سال حق بیمه متعلقه به این صندوق می باشد.

تبصره - مدت خدمت وظیفه عمومی نیز به شرط پرداخت مابه التفاوت حق بیمه مقرر به این صندوق مشمول مقررات این ماده خواهد بود.

ماده ۱۳۰ - وکلا و کارآموزان مشمول این قانون و همچنین کانون های متبوع آنان مکلفند حق بیمه ماهانه خود را به شرح زیر پرداخت کنند:

الف - سهم بیمه شده معادل نه درصد (۹٪)؛

ب - سهم کانون های وکلای متبوع معادل سه درصد (۳٪).

درآمد مأخذ محاسبه حق بیمه موضوع این ماده برای سال اول اشتغال به وکالت دادگستری یک و نیم برابر و کارآموزان معادل یک برابر حداقل حقوق و فوق العاده های مستمر شاغلین قانون مدیریت خدمات کشوری در هر سال خواهد بود که به ازای هر سال اشتغال به وکالت ده درصد (۱۰٪) مبلغ پایه به عنوان اضافه سالانه به مبلغ پایه آن گروه اضافه می شود.

ماده ۱۳۱ - حق بیمه سهم بیمه شده حداقل هر سه ماه یکبار باید مستقیماً به حساب صندوق نزد یکی از بانکهای معرفی شده به وسیله صندوق واریز شود و سند پرداخت آن برای ثبت در حساب بیمه شده تسلیم صندوق گردد. در صورت تأخیر در پرداخت حق بیمه، سهم بیمه شده به تناسب مدت معوق به ازای هر سال تأخیر پانزده درصد (۱۵٪) محاسبه و دریافت خواهد شد.

ماده ۱۳۲ - حق بیمه سهم کانون ها هر سه ماه یکبار از طرف صندوق محاسبه و به کانون ها اعلام خواهد شد. کانون ها مکلفند حداکثر ظرف مدت یک ماه مبالغ اعلام شده را به حساب صندوق واریز نمایند. در صورت تأخیر در پرداخت سهم کانون به تناسب مدت تأخیر به ازای هر سال به میزان ده درصد (۱۰٪) علاوه بر حق بیمه سهم کانون محاسبه و دریافت خواهد شد.

تبصره ۱ - عدم پرداخت به موقع سهم صندوق، بدون عذر موجه از مصادیق تخلف انتظامی مقرر در ماده (۸۹) این قانون محسوب می شود.

تبصره ۲ - محکومان موضوع این ماده موظفند جریمه مقرر را شخصاً به کانون پرداخت نمایند.

ماده ۱۳۳ - وکلا و کارآموزان وکالت مکلفند معادل آنچه را که بابت مالیات طبق قانون مالیات های مستقیم تمبر به وکالت نامه الصاق می کنند به صندوق پرداخت کنند. وکلا و کارآموزان متخلف از اجرای این ماده به محرومیت از وکالت از چهار ماه تا یکسال موضوع ماده (۹۱) محکوم می شوند.

ماده ۱۳۴ - دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیات های مستقیم مکلفند معادل مالیات وجوه مندرج در قرارداد که به عنوان حق المشاوره و تحت هر عنوان دیگری به وکلای دادگستری عضو صندوق می پردازند را به هنگام پرداخت مبالغ قراردادی از هر پرداخت کسر و حداکثر ظرف یک ماه به حساب صندوق واریز کنند. تخلف از انجام این وظیفه در مورد مقامات و مسئولان دستگاه های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موجب محکومیت به مجازات اداری طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری می شود و در مورد سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی موضوع ماده (۱۰۴) قانون مالیات های مستقیم به مجازات نقدی معادل سه تا ده برابر مبالغ پرداخت نشده محکوم می شوند و مستثقف از پرداخت وجوه مذکور دارای مسئولیت تضامنی با وکیل یا کارآموز خواهد بود.



**ماده ۱۳۵-** تمدید پروانه وکلا و کارآموزان وکالت بدون ارائه و اخذ مفصاحساب صندوق ممنوع است و کلیه وکلا و کارآموزان وکالت مکلفند هم‌زمان با تمدید پروانه خود مفصاحساب مبنی بر نداشتن بدهی موضوع این قانون به صندوق را اخذ و به کانون مربوط تسلیم نمایند. عدم رعایت و اجرای این ماده تخلف محسوب می‌شود و مشمول مجازات انتظامی قسمت اخیر ماده (۱۳۴) می‌باشد.

**ماده ۱۳۶-** سوابق پرداخت حق بیمه مشمولان این قانون به سایر صندوق‌های بیمه‌ای در صورتی می‌تواند به‌عنوان سوابق بیمه‌ای وکیل از لحاظ مستمری یا بازنشستگی محسوب شود که علاوه بر انتقال سهم بیمه شده و سهم کارفرما، مابه‌التفاوت به مأخذ حق بیمه موضوع ماده (۱۳۳)، در سال انتقال به این صندوق پرداخت گردد. جزئیات محاسبه مابه‌التفاوت موضوع این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط صندوق تهیه و به تصویب شورای عالی وکالت می‌رسد.

**ماده ۱۳۷-** سوابق بیمه‌ای قضات و کارمندان دولت و مدت نمایندگی مجلس شورای اسلامی و مدت خدمت وظیفه کسانی که مشمول مقررات این قانون قرار می‌گیرند به شرط پرداخت تمام حق بیمه سنوات مذکور با احتساب وجوه پرداختی بابت بازنشستگی متقاضی که به صندوق واریز شده باشد از لحاظ احتساب مستمری بازنشستگی جزء سابقه وکالت محسوب خواهد شد.

**ماده ۱۳۸-** هر یک از کارکنان و اعضای هیأت مدیره کانون‌های استانی وکالت یا صندوق و به‌طور کلی کلیه افرادی که به مناسبت وظیفه اموال و وجوه متعلق به کانون‌های استانی وکالت یا صندوق به آنها سپرده شده چنانچه مرتکب برداشت یا تصاحب این وجوه و اموال به نفع خود یا دیگری شوند یا نسبت به این وجوه و اموال تصرف غیرمجاز نمایند حسب مورد به مجازات مرتکبین اختلاس یا تصرف غیرمجاز نسبت به اموال دولتی محکوم می‌گردند.

**ماده ۱۳۹-** مستمری‌های موضوع این قانون هر ساله حداقل بر مبنای درصد افزایش حقوق بازنشستگی و مستمری که توسط هیأت وزیران برای کارکنان کشوری تصویب می‌شود، به پیشنهاد صندوق و تصویب وزیر دادگستری افزایش می‌یابد.

**ماده ۱۴۰-** هیأت مدیره صندوق مکلف است پس از وضع هزینه‌ها و مخارج قطعی مجاز، مازاد درآمد هر سال را به ترتیب مقرر در اساسنامه صندوق در ارتباط با پیش‌بینی ذخیره احتیاطی، امور سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاری نزد بانکها و خرید اوراق مشارکت، ایجاد امکانات رفاهی و پرداخت تسهیلات به وکلا و کارآموزان جهت خرید یا اجاره دفتر یا خرید مسکن و سایر وامهای ضروری مصرف نماید.

تبصره - میزان وام، شرایط پرداخت و چگونگی بازپرداخت آن و اخذ تضمین‌های لازم بر طبق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب شورای عالی وکالت خواهد رسید. در هر حال پرداخت وام بدون اخذ تضمین کافی و معتبر ممنوع است.

**ماده ۱۴۱-** وکیل یا کارآموز عضو صندوق تا قبل از استفاده از حمایت‌های بازنشستگی، از کارافتادگی یا فوت، در صورت قطع رابطه عضویت در کانون، می‌تواند درخواست نماید وجوهی که بابت سهم خود به صندوق حمایت پرداخت نموده به وی مسترد، یا با رعایت مقررات مربوط به سایر صندوق‌های بیمه‌ای منتقل شود. در این صورت متقاضی از شمول حمایت‌های فوق خارج خواهد شد.

**ماده ۱۴۲-** خانواده‌های آن‌دسته از کارگشایان سابق که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون از تسهیلات صندوق استفاده می‌نمایند، از حمایت‌های موضوع این قانون بهره‌مند خواهند شد.



## فصل هفتم - سایر مقررات

ماده ۱۴۳- در صورت فوت یا حجر وکیل یا کارآموز، بنا به تقاضای اشخاصی که اوراق و اسناد نزد ایشان داشته‌اند، قائم مقام قانونی متوفی یا محجور با حضور نماینده کانون مربوط رأساً و در صورت بروز اختلاف یا استنکاف یا فقدان یا عدم دسترسی به وی، به دستور دادستان شهرستان مربوط اوراق و اسناد مذکور با تنظیم صورت‌مجلسی به صاحبان آنها تحویل داده می‌شود و نسخه‌ای از آن به قائم مقام مزبور تحویل می‌گردد.

ماده ۱۴۴- علاوه بر آیین‌نامه‌های پیش‌بینی شده در این قانون نسبت به سایر مواد در صورت نیاز، آیین‌نامه‌های اجرائی لازم ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن به ترتیب زیر تدوین و تصویب خواهد شد:

الف- آیین‌نامه مواد (۳۳)، (۳۷)، (۵۵)، (۱۰۰)، (۱۲۱) الی (۱۲۴) به پیشنهاد وزیر دادگستری با أخذ نظر شورای عالی وکالت به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ب- آیین‌نامه سایر مواد با پیشنهاد وزیر دادگستری و همکاری شورای عالی وکالت به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره- تا زمانی که آیین‌نامه اجرائی این قانون به تصویب نرسیده است آیین‌نامه‌های اجرائی موجود معتبر است.

ماده ۱۴۵- ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، مرکز مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه نسبت به انتقال پرونده وکلایی که پروانه دریافت نموده‌اند به کانون استانی محل پذیرش اقدام خواهند نمود. درخصوص اموال منقول و غیرمنقول و وجوه وکلای مربوط به مرکز امور مشاوران، نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه نسبت به انتقال اموال حاصل از وجوه دریافتی از مرکز مشاوران که به نام قوه قضائیه می‌باشد به کانون اقدام می‌نماید.

ماده ۱۴۶- تأسیس و ثبت هر نوع تشکیلاتی تحت عنوان مؤسسه یا شرکت حقوقی، مشاوره که برای انجام امور وکالت و مشاوره حقوقی تشکیل شده یا می‌شود تنها توسط دو یا چند وکیل امکان‌پذیر است. مؤسسات یا شرکت‌های موجود باید ظرف مدت یک سال از تصویب این قانون، خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند والا منحل شده تلقی خواهند شد.

ماده ۱۴۷- وکلای تعلیق شده و منفصل وکسانی که فاقد پروانه وکالت باشند از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت موضوع این قانون ممنوع می‌باشند. متخلف به مجازات غصب عنوان مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۴۸- نظارت بر حسن اجرای این قانون به عهده وزیر دادگستری است. همچنین وزیر دادگستری موظف است سالانه گزارشی از فعالیت کانون وکلا را تهیه و به رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.

ماده ۱۴۹- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵، لایحه قانونی استقلال وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵، ماده ششم از قانون متمم دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات- مصوب ۱۳۳۵ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین، قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و تأمین هزینه‌های کانون وکلا دادگستری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱، قانون اجازه وکالت دادگستری افسران قضائی لیسانسه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸، قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵/۱/۲۹، مواد (۳۱) و (۳۴) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و نیز ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه از جهت امور مربوط به تجویز صدور پروانه وکالت نسخ می‌گردد.

هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً، در اجرای آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب

۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر معاونت قوانین در مورد لایحه جامع وکالت و مشاوره حقوقی تقدیم می گردد.

**معاون قوانین**



## نظر اداره کل تدوین قوانین

معاون محترم قوانین

احتراما در اجرای بندهای (۲) و (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می گردد:

۱- سابقه تقدیم:

ماده ۱۳۴ - قبلاً تقدیم نگردیده است

- قبلاً در جلسه علنی شماره مورخ تقدیم و در تاریخ در ☐ مجلس / ☐ کمیسیون

(موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی) رد شده و اینک:

☐ با تغییر اساسی

☐ با تقاضای کتبی ۵۰ نفر از نمایندگان (مشروط به تصویب مجلس)

☐ پیش از انقضای شش ماه ☐ بدون تغییر اساسی

☐ با تقاضای کتبی کمتر از ۵۰ نفر از نمایندگان

☐ با انقضای شش ماه

مجدداً قابل پیشنهاد به مجلس ☐ می باشد.

☐ نمی باشد.

۲- در اجرای بند (۲) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور:

☒ رعایت شده است.

در لایحه تقدیمی آیین نگارش قانونی و ویرایش ادبی ☐ رعایت شده است. (با نظر کارشناسی)

☐ رعایت نشده است، دلایل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

۳- از نظر آیین نامه داخلی مجلس (شکلی):

الف- ماده ۱۳۱-

اول- موضوع و عنوان مشخص ☒ دارد  
☐ ندارد

دوم- دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد در مقدمه ☒ دارد  
☐ ندارد

سوم- موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان ☒ دارد  
☐ ندارد

ب- ماده ۱۳۶- امضاء مقامات مسؤول را ☒ دارد  
☐ ندارد

ج- ماده ۱۴۲- لایحه تقدیمی دارای ☐ یک موضوع است و پیشنهاد آن به عنوان ☐ ماده واحده ☐ مواجهه با ایراد ☒ نمی باشد.  
☒ بیش از یک موضوع ☐ مواد متعدد ☐ می باشد.

۴- در اجرای بند (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵:

اول: از نظر قانون اساسی؛

لایحه تقدیمی با قانون اساسی بطور کلی مغایرت

☐ ندارد.

■ دارد. اصل / اصول مغایر و دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می گردد.

دوم: از نظر سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز؛

لایحه تقدیمی با سیاست های کلی نظام و سند چشم انداز مغایرت

■ ندارد.

□ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

سوم: از نظر قانون برنامه؛

لایحه تقدیمی با قانون برنامه مغایرت

■ ندارد.

□ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

چهارم: از نظر آیین نامه داخلی مجلس (ماهوی)؛

الف- لایحه تقدیمی با قانون آیین نامه داخلی مجلس مغایرت

□ ندارد.

□ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

ب- ماده ۱۴۴- رعایت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی

■ شده است.

□ نشده است، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می شود.

ج- ماده ۱۸۵- موجب اصلاح یا تغییر برنامه مصوب ☐ نمی شود و نیاز به <sup>۲</sup> رأی نمایندگان ☐ ندارد.

□ دارد.

☐ می شود

تعداد یک برگ اظهار نظر به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیرکل تدوین قوانین

۵- لایحه تقدیمی از حیث پیشگیری از وقوع جرم با بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی مغایرت

□ ندارد.

■ دارد.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه



## ضمیمه نظر اداره کل تدوین قوانین

### بیان مستندات و دلایل مغایرت:

طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان به شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ در لوائح قضائی، دولت محترم در تغییرات صورت داده باید نظر موافق ریاست محترم قوه قضائیه را جلب می کرده که با توجه به عدم انجام این مهم، مغایر اصل یکصد و پنجاه و هشتم (۱۵۸) قانون اساسی است.

## نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین

### معاون محترم قوانین

احتراما در اجرای بندهای (۱) و (۳) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می گردد:

#### ۱- در اجرای بند (۱):

الف- درخصوص لایحه تقدیمی قوانین متعارض ☒ وجود ندارد

☐ وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم

ب- درخصوص لایحه تقدیمی قوانین مرتبط ☐ وجود ندارد

☒ وجود دارد که به شرح ضمیمه تقدیم

#### ۲- در اجرای بند (۳):

با عنایت به بررسیهای به عمل آمده قانونگذاری در این موضوع ☒ لازم است.

☐ لازم نیست.

تعداد دو برگ سوابق قانونی و دلایل ضرورت قانونگذاری به ضمیمه تقدیم می شود.

مدیر کل اسناد و تنقیح قوانین



**ضمیمه نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین**  
**سوابق قانونی و دلایل ضرورت قانونگذاری**

**الف- دلایل و ضرورت قانونگذاری**

در ماده (۱۴۹) موارد زیر قابل توجه است:

- ۱- مناسب است عبارت «با اصلاحات و الحاقات بعدی آن» در عنوان قوانینی که دارای اصلاحات و الحاقات می باشند درج گردد.
- ۲- تاریخ دقیق و کامل «قانون ماده ششم قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۳ (کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین) ۱۳۳۵/۶/۱۷ است که لازم است کامل درج گردد.
- ۳- تاریخ تصویب صحیح «قانون اجازه وکالت دادگستری افسران قضائی لیسانسه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح ۱۳۵۱/۸/۲۹ است.
- ۴- تاریخ تصویب صحیح «قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری» ۱۳۵۵/۱۰/۲۹ است.
- ۵- طرحی با عنوان «وکالت» در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۱ به کمیسیون قضائی و حقوقی ارجاع شده است.

**ب- سوابق قانونی**

| ردیف | عنوان                                                                                                                                                         | تاریخ تصویب           | مواد           | متعارض |
|------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|----------------|--------|
| ۱    | سیاست های کلی «قضایی»                                                                                                                                         | ابلاغی مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ |                |        |
| ۲    | قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)                                                                                               | ۱۳۸۹/۱۰/۲۵            | ۲۱۲            |        |
| ۳    | اصل سی و پنجم                                                                                                                                                 |                       |                |        |
| ۴    | لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری با اصلاحات                                                                                                                 | ۱۳۳۳/۱۲/۵             | کل مواد        |        |
| ۵    | قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری                                                                                                                         | ۱۳۷۷/۱/۱۷             | کل مواد        |        |
| ۶    | قانون نظارت بر رفتار قضات                                                                                                                                     | ۱۳۹۰/۷/۱۷             | کل مواد        |        |
| ۷    | قانون مجازات اسلامی                                                                                                                                           | ۱۳۹۲/۲/۱              | ۲۵             |        |
| ۸    | قانون مدیریت خدمات کشوری                                                                                                                                      | ۱۳۸۶/۷/۸              | ۵              |        |
| ۹    | اصلاح و تأیید موادی از لایحه تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری                                                                                  | ۱۳۶۷/۹/۱۵             | ۲              |        |
| ۱۰   | قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری ۲۵۳۵.۱۰.۲۹ با اصلاحات                                                                                       | ۱۳۵۵/۱۰/۲۹            |                |        |
| ۱۱   | قانون مالیاتهای مستقیم با اصلاحات بعدی                                                                                                                        | ۱۳۶۶/۱۲/۳             | ۱۰۴، ۴۴ الی ۵۱ |        |
| ۱۲   | قانون وکالت مصوب ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵                                                                                                                             | ۱۳۱۵/۱۱/۲۵            | کل مواد        |        |
| ۱۳   | ماده ششم قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۴ اسفند ماه ۱۳۳۳ (کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین) | ۱۳۳۵/۶/۱۷             | ۶              |        |
| ۱۴   | قانون تشکیل صندوق تعاون وکلاء و تأمین هزینه های کانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۵۰.۳.۳۱                                                                           | ۱۳۵۰.۳.۳۱             |                |        |

|    |                                                                                                              |           |                   |
|----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|-------------------|
| ۱۵ | قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضایی لیسانسیه<br>حقوق بازنشسته نیروهای مسلح شاهنشاهی مصوب<br>۱۳۵۱/۸/۲۹ | ۱۳۵۱/۸/۲۹ | ماده واحده        |
| ۱۶ | قانون پاره‌ای از قوانین دادگستری                                                                             | ۱۳۵۶/۳/۲۵ | ۳۱،۳۴             |
| ۱۷ | قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<br>جمهوری اسلامی ایران                                      | ۱۳۷۹/۱/۱۷ | ۱۸۷               |
| ۱۸ | قانون مدنی                                                                                                   | ۱۳۱۴/۱/۲۰ | ۶۵۶ الی ۶۸۳       |
| ۱۹ | قانون آیین دادرسی کیفری                                                                                      | ۱۳۹۲/۱۲/۴ | ۳۳۱ الی ۳۵۱ و ۳۴۶ |
| ۲۰ | قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور<br>مدنی)                                                 | ۱۳۷۹/۱/۲۰ | ۳۰۶ الی ۴۶ و ۳۳۱  |